



## پس از اعتراض کارمندان؛

### شرکت برشنا طرز العمل رژیم کاری اش را بازبینی می کند



برخی کارمندان شرکت برشنا از اضافه شدن دو ساعت به زمان کاری شان بدون دریافت اضافه کاری، شکایت دارند. این کارمندان می گویند که از هفدهم میزان بدین سو پیش از ساعت پنج عصر اجازه خروج را ندارند و بدین ترتیب، این طرز العمل از چهار روز بدین سو به گونه جبری بالای آنان تطبیق شده است. به گفته این کارمندان، اضافه شدن دو ساعت دیگر به زمان کاری، آنان را با مشکلات متعددی روبه رو کرده است. کارمندان شرکت برشنا از مسوولان می خواهند که در اجرای این طرح بازنگری کرده و هم مانند سایر نهادها از قانون و دستور العمل وزارت کار و امور اجتماعی پیروی کند. مسوولان در اداره کار و امور اجتماعی هر چند گفتند که در اوایل با این وزارت مشورت نشده بود، اما تصریح می کنند که در نشست روز دوشنبه، بیست و یکم میزان با شرکت برشنا، همه گانی شدن مکتوب افزایش زمان کاری از سوی این شرکت «سوء تفاهم» خوانده شده است.



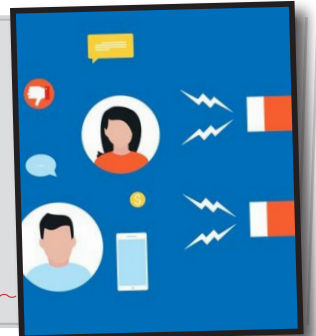
از سرگیری گفت و گوها در دوحه؛

## منطقه و جهان به کاهش خشونت در افغانستان تاکید دارند

### افزایش حضور زنان در نظام تحصیلی؛ تلاش یک دهه برای پویایی

### حقوق مخاطب در تبلیغات تجاری

کنوانسیون امریکایی حقوق بشر در سال ۱۹۶۹ توسط کشورهای قاره امریکا تهیه و تصویب شد. درباره آزادی ارتباطات تصریح می کند که «هر فردی دارای آزادی اندیشه و بیان است. این حق، بدون توجه به مرزها شامل کاوش و جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات و نظرات گوناگون است، اعم از شفاهی، کتبی، چاپی، به شکل هنری یا از طریق سایر وسایل به انتخاب آن فرد.»



### اعتصاب صرافان در هرات؛ یک صراف از خانه اش ربوده شد

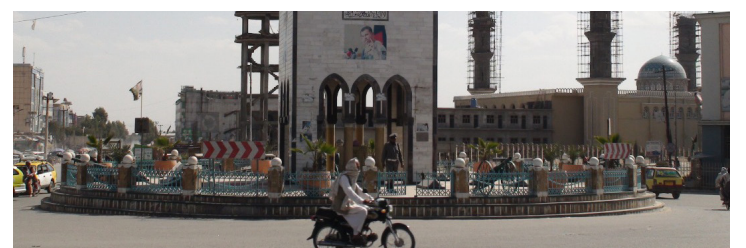


مردان مسلح شب هنگام با حمله بر منزل یک صراف در هرات، پول های نقد و اشیای قیمتی او را دزدیده و خودش را اختطاف کردند. وقوع این رویداد در یکی از امن ترین مناطق شهر هرات، بر نگرانی ها از وخامت اوضاع امنیتی و افزایش جرایم جنایی افزوده است. اعضای اتحادیه صرافان هرات در واکنش به این رویداد، بازار صرافی ها را بستند و از مقام های امنیتی به دلیل ناکامی در مهار جرایم سخت انتقاد کردند.

### جزئیات تازه از درگیری های هلمند؛ جنگ ادامه دارد و نیروهای امنیتی در حال پیش روی هستند

صبح، کابل: مقامات محلی در هلمند می گویند که عملیات نیروهای امنیتی شب گذشته در ساحه «باباجی» از حوزه چهارم امنیتی لشکرگاه، ولسوالی نادعلی و شاهراه ۶۱۰ آغاز شده است و پاسگاه های جدیدی در این ساحات ایجاد شده است. محمدیاسین خان، والی هلمند روز سه شنبه، بیست و دوم میزان گفت که عملیات نیروهای امنیتی در ولسوالی نادعلی ادامه دارد. به گفته وی، نیروهای امنیتی تاکنون پنج پاسگاه را در ولسوالی نادعلی دوباره جابه جا و اکنون حتا از «پوسته جمب» نیز پیش روی کرده اند. افزون بر این، نهادهای امنیتی می گویند که در در شاهراه ۶۰۱ جابه جا شده است و این روند هم چنان ادامه دارد. بر اساس معلومات مقامات، ۲۳ جنگجوی گروه طالبان در جریان حملات هوایی و زمینی در حوزه چهارم امنیتی لشکرگاه و ولسوالی سنگین، کشته و شش تن شان نیز زخمی امن آواره شده اند.

### ۱۰ جنگجوی طالبان در قندهار در انفجار ماین کارگذاری شده خودشان کشته شدند



صبح، قندهار: مقامات امنیتی در قندهار می گویند که ۱۰ جنگجوی طالبان زمانی که می خواستند به سایر جنگجویان این گروه کمک برسانند، با ماین کارگذاری شده خودشان برخوردند و کشته شدند. جمال ناصر بارکزی، سخنگوی پولیس قندهار روز سه شنبه، بیست و دوم میزان گفت که این رویداد در ساحه «کاریز بزرگ» از مربوطات ولسوالی شاهولی کوت رخ داده است. به گفته وی، این رویداد زمانی اتفاق افتاد که جنگجویان طالبان می خواستند با استفاده از موترهای نوع «بایفور» و «فلدر» به جنگجویان این گروه در زمان حمله تهاجمی شان کمک برسانند.

## ۶۵ سال تجربه هوانوردی



داریانا افغان هوایی شرکت  
ARIANA AFGHAN AIRLINES

www.flyariana.com  
+93 (0) 790 07 1333  
خدمات مشتریان | 1333







## نیاز به تلاش‌های همه‌جانبه برای رفع بن‌بست در گفت‌وگوهای دوحه

افغانستان در آستانه‌ی یک تحول بزرگ سیاسی قرار گرفته است. مذاکرات صلحی که آغاز شده است، به هر انجمنی که برسد، روی اوضاع افغانستان و مسیر آینده‌ی کشور اثر شگرفی خواهد گذاشت. گفت‌وگوهای میان‌افغانی در شهر دوحه آغاز شده است. این روند اما پیش از ورود به بخش اصلی آن، به بن‌بست رسیده است. هرچند هنوز روی اصول رفتاری بحث‌ها جریان دارد، اما همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد، این مذاکرات در آغاز راه وارد مرحله‌ی جنجالی شده است.

طالبان تأکید دارند که توافق‌نامه‌ی صلح دوحه باید مبنای پیش‌برد مذاکرات باشد، اما هیات مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی افغانستان تأکید دارند که اعلامیه‌ی مشترک کابل-واشنگتن یا فیصله‌نامه‌ی لویه‌جرگه‌ی مشورتی صلح در کنار توافق‌نامه‌ی دوحه مبنای پیش‌برد مذاکرات قرار بگیرد و یا هم بدون داشتن اصول مذاکرات طرف‌ها وارد مرحله‌ی بعدی که تعیین آجندای گفت‌وگوها است، شوند.

هر دو طرف مذاکره‌کننده هنوز بر سر این مساله به توافق نرسیده‌اند. از سوی دیگر طالبان برخلاف توافق‌نامه‌ی دوحه که در آن تعهد کرده بودند با شروع مذاکرات جنگ را کاهش می‌دهند، جنگ را شدت بخشیده‌اند. در تازه‌ترین مورد در نزدیکی شهر لشکرگاه، مرکز ولایت هلمند، جنگ سختی میان گروه طالبان و نیروهای امنیتی افغانستان شعله‌ور شده است.

نماینده‌ی ویژه‌ی وزارت خارجه‌ی آمریکا در امور صلح نیز اخیراً سفرهایش را به منطقه از سر گرفته است و گفته می‌شود نماینده‌گان ایالات متحده آمریکا حالا در قطر به سر می‌برند. این هیات گفته است که هدف سفرهای اخیرشان به منطقه، شکستن بن‌بست مذاکرات دوحه و تلاش برای رسیدن به کاهش چشم‌گیر خشونت‌ها است.

گفته می‌شود که تلاش‌های منطقه‌ای نیز در پیوند به شکستن بن‌بست گفت‌وگوهای دوحه و کاهش خشونت‌ها آغاز شده است. چیزی که مسلم است، این است که بن‌بست‌ها جدی به نظر می‌رسند. هرچند هر دو طرف مذاکره‌کننده در ظاهر امر طرف‌دار به انجام رسیدن مذاکرات صلح‌اند، اما برکسی پوشیده نیست که این مذاکرات با شروع مرحله‌ی اصلی مذاکرات پیچیده‌تر نیز خواهد شد.

بدون شک با شروع بحث روی آجندا، مسایل اساسی مذاکرات و اولویت‌های طرف‌های گفت‌وگوکننده روشن خواهد شد. تا جایی که به نظر می‌رسد، میان طرف‌ها تا این‌جای گفت‌وگوها فاصله‌های زیادی وجود دارد. بخشی از این فاصله‌ها، خصلت طبیعی منازعه‌ی جاری افغانستان است و بخشی دیگر ناشی از سخت‌گیری طرف‌ها و عدم همکاری برای تسهیل روند و نزدیک شدن به نقاط مشترک است.

این گفت‌وگوها که باید از مسایل تخنیکی آغاز می‌شد، از همین آغاز وارد بحث‌های اختلاف‌برانگیز شده است. بحث سند مرجع مذاکرات و بحث اصول فقهی مبنای مذاکرات اخیراً اختلاف‌های شدیدی را در دو طرف گفت‌وگو برانگیخته است.

آن‌چه مسلم است، این است که این مذاکرات بدون طرف‌های سوم تسهیل‌کننده با جنجال‌های فراوانی روبه‌رو خواهد شد. نیاز است تا در وسط هر دو تیم گفت‌وگوکننده طرف سوم باصلاحیت و مورد اعتماد طرف‌های مذاکره‌کننده وجود داشته باشد تا در صورت بروز چنین اختلافاتی، برای حل این مشکلات میانجی‌گری کند و از سوی دیگر ملامت و سلامت این روند نیز روشن شود.

بدون طرف سوم تسهیل‌کننده و میانجی و در نبود هم‌آهنگی این مذاکرات با کشورهای تاثیرگذار در این روند، پیش‌رفت در گفت‌وگوها بعید به نظر می‌رسد.

کشورهای مهمی که تاکنون به نحوی در این روند نقش داشته‌اند، باید این روند را از نزدیک نظارت کنند و بدون جهت‌گیری و حمایت از یکی از طرف‌ها در موارد اختلافی وارد عمل شوند و به پیش‌رفت روند کمک کنند.

شورای عالی مصالحه باید تا حد ممکن ابتکار عمل را در دست گیرد و برای رفع چنین مشکلاتی هیات مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی افغانستان را همراهی کند. از سوی دیگر در سطح منطقه و جهان در جست‌وجوی عوامل تاثیرگذار بر روند باشد.

آن‌چه روشن است، این است که باید هم‌زمان با پیش‌رفت این مذاکرات، در جهت ایجاد اجماع منطقه‌ای برای رفع موانع این گفت‌وگوها در همکاری با کشورهای تاثیرگذار منطقه و جهان تلاش صورت گیرد. اگر چنین کاری انجام نشود، بعید است که طرف‌های مذاکره‌کننده بتوانند به تنهایی بن‌بست‌های این گفت‌وگوها را بشکنند.

## مشاور امنیت ملی: نیروهای امنیتی سال آینده به ظرفیت اجرای صد درصدی عملیات نظامی دست می‌یابند



**۸صبح، کابل:** حمدالله محب، مشاور امنیت ملی، می‌گوید که نیروهای امنیتی در حال حاضر بدون حمایت نیروهای خارجی ۹۶ درصد عملیات نظامی را به صورت مستقل اجرا می‌کنند. به گفته‌ی او، این نیروها تا سال آینده به ظرفیت صد درصدی اجرای عملیات نظامی دست خواهند یافت.

محب این سخنان را در نشست اصلاحات و تقویت نیروهای امنیتی و دفاعی کشور مطرح کرده است. این نشست پیش از چاشت روز سه‌شنبه، بیست‌ودوم میزان، در ارگ ریاست جمهوری برگزار شده است.

مسئولان نهادهای امنیتی در این نشست گفته‌اند که تغییری در سیاست مالی حکومت در قبال نیروهای امنیتی نیامده است.

حمدالله محب در این نشست گفته است که هدف نشست اصلاحات و تقویت نیروهای امنیتی و دفاعی کشور، استفاده موثر از ظرفیت‌ها و قوت‌ها است.

او افزوده است که چالش‌های نهادها و نیروهای امنیتی ارزیابی شده است تا برای حفاظت مردم، گام‌های مفید برداشته شود.

## امریکا از طالبان خواست که حملات بر هلمند را فوراً متوقف کند



**۸صبح، کابل:** سفارت امریکا در کابل از گروه طالبان خواسته است که حملات تهاجمی‌اش بر هلمند را متوقف کند.

راس ویلسون، کاردار سفارت امریکا در کابل روز سه‌شنبه، بیست‌ودوم میزان در رشته توییت‌هایی گفته است که خشونت‌های اخیر طالبان با توافق‌نامه صلح امریکا و طالبان سازگار نیست.

وی تصریح کرده است که جنگ کنونی، به ویژه در هلمند به از دست رفتن جان شهروندان و ویرانی می‌انجامد.

او که توییت اسکات میلر، فرمانده عمومی نیروهای امریکایی و ناتو افغانستان را بازنشر کرده است، می‌گوید که نیاز است گروه طالبان سایر خشونت‌ها در کشور را نیز کاهش دهد.

کاردار سفارت امریکا در کابل می‌گوید که

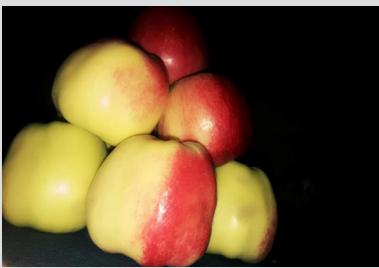
## مقامات پکتیا: در حمله طالبان بر خانه‌های غیرنظامیان سه تن کشته شده‌اند

**۸صبح، کابل:** مقامات در پکتیا می‌گویند که در حمله طالبان بر خانه‌های مسکونی در ولسوالی میرزکه این ولایت، سه غیرنظامی کشته شده‌اند.

عبدالرحمان منگل، سخنگوی والی پکتیا به روزنامه ۸صبح گفت که در این حمله سه نفر از جمله یک بزرگ قومی کشته شده‌اند.

این حمله ساعت ۱۰:۰۰ بامداد روز سه‌شنبه، بیست‌ودوم میزان در روستای خلیلان، از مربوطات

## بامیان امسال ۳۰ هزار تن سیب تولید کرده است



**۸صبح، بامیان:** وزارت زراعت، آبیاری و مالداري کشور اعلام کرده که مجموع حاصلات سیب در ولایت بامیان، امسال حدود ۳۰ هزار تن برآورد شده است.

این وزارت با نشر خبرنامه‌ای گفته که در کنار کچالو، سیب نیز یکی از محصولات عمده‌ی زراعتی دهقانان و باغ‌داران ولایت بامیان می‌باشد.

در همین حال، وزارت زراعت از پیش‌رفت ۸۵ درصدی کار ساخت ده سردخانه‌ی میوه نیز در ولایت بامیان خبر داده و گفته که هرکدام این سردخانه‌ها ظرفیت نگهداری حدود ۲۵ تن میوه را دارد.

خبرنامه می‌افزاید که این سردخانه‌ها به هزینه‌ی ۲۶ میلیون افغانی در مرکز و ولسوالی‌های بامیان ساخته می‌شود که ۱۰ فی‌صد این هزینه را خود دهقانان و باغ‌داران می‌پردازند.

وزارت زراعت هم‌چنان گفته که با ساخت این سردخانه‌ها، باغ‌داران بامیانی می‌توانند ۲۵۰ تن سیب را نگهداری و در زمان مناسب به بازار عرضه کنند تا از این طریق درآمدشان بالا برود.

بامیان، از ولایت‌هایی است که حدود ۸۰ درصد از باشندگان آن مشغول کارهای کشاورزی و مالداري می‌باشند و بیش‌تر محصولات زراعتی این ولایت را کچالو تشکیل می‌دهد.

دهقانان همواره از نبود ذخیره‌گاه‌ها و سردخانه‌ها برای نگهداری حاصلات زراعتی شان شکایت می‌کنند.

اما وزارت زراعت امسال در قالب برنامه‌ی «مدیریت محصولات زراعتی» و به‌منظور جلوگیری از فاسد شدن میوه‌های تازه، در شماری از ولایت‌های کشور سردخانه‌های میوه می‌سازد.

### عبدالرحمان شهیدانی:

## به گروه طالبان نپیوسته‌ام، والی بامیان اسناد ارائه کند

**۸صبح، بامیان:** اداره محلی بامیان با ارسال یک مکتوب رسمی به نهادهای کشفی و امنیتی، از پیوستن عبدالرحمان شهیدانی نماینده‌ی پیشین مردم بامیان در مجلس نماینده‌گان، به گروه طالبان خبر داده است.

این خبر نخست به صورت شایعه در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شد؛ اما بعدتر مکتوب رسمی آن همه‌گانی شد و سیدانور رحمتی والی بامیان نیز صحت خبر را تأیید کرد.

اما عبدالرحمان شهیدانی، نماینده‌ی پیشین مردم بامیان در مجلس نماینده‌گان که در سفری به امارات متحده‌ی عربی به سر می‌برد، بار د این خبر به روزنامه ۸صبح گفت: «از والی بامیان بهتر خواهد بود و از او مدارک بخواهید.»

به گفته‌ی آقای شهیدانی، او به نسبت مرضی که عاید حالش بود، به امارات سفر کرده است. وی هم‌چنان گفت که «ثبوت این ادعا» باید از والی بامیان خواسته شود تا مردم ولایت بامیان بدانند که «بزرگان ما را مورد توطئه» قرار ندهند.

لطیف عظیمی، سخنگوی اداره محلی بامیان نیز با ارسال پیامی به خبرنگاران گفته که اداره محلی، پس از نشر خبرهایی مبنی به پیوستن این عضو پیشین مجلس نماینده‌گان به گروه طالبان، مکتوب را صرف به خاطر کسب معلومات از اداره‌های مربوطه ارسال کرده است.

در این مکتوب مقام ولایت بامیان که صبح روز سه‌شنبه، بیست‌ودوم میزان در شبکه‌های اجتماعی درز کرد، آمده است: «قرار معلومات اولیه، محترم عبدالرحمان شهیدانی وکیل اسبق ولسی جرگه به گروه طالبان پیوسته و به قطر سفر نموده است.»

هم‌چنان در ادامه‌ی مکتوب از ارگان‌های سه‌گانه‌ی امنیتی خواسته شده تا «موضوع را بررسی نموده به اسرع وقت اطمینان دهند.»



# از سرگیری گفتگوها در دوحه؛ منطقه و جهان به کاهش خشونت در افغانستان تاکید دارند



حبيب روشن

پس از توقف دو هفته‌ای دیدارهای رسمی هیأت مذاکره‌کننده دولت و طالبان در دوحه، گروه‌های تماس دو طرف بحث روی کارشویه مذاکرات را از سر گرفتند. هرچند گروه‌های تماس در این نشست پیرامون دو موضوع اختلافی گفت‌وگویی داشته‌اند، اما بحث روی آن به پیش‌رفتی منتج نشده است. با این حال، هیأت دولت و طالبان توافق کرده‌اند که گفت‌وگوها روی تهیه کارشویه مذاکرات متوقف نشود. طالبان تاکنون بر تعیین توافق‌نامه صلح دوحه به عنوان مبنای مذاکرات تاکید دارند. هیأت دولت اما گفته است که باید اعلامیه کابل و واشنگتن برای رسیدن به صلح در افغانستان نیز با این توافق‌نامه ضمیمه شود یا این‌که دو طرف به گونه مستقیم مذاکرات را به پیش ببرند. شورای عالی مصالحه ملی نیز می‌گوید که هیأت دولت و طالبان می‌توانند بدون تعیین مبنای مذاکرات، دست‌کم گفت‌وگوهای اصلی را آغاز کنند. این گفت‌وگوها در حالی دوباره به راه می‌افتد که طالبان حملات‌شان را بر مرکز هلمند و ولسوالی‌های هم‌جوار آن افزایش داده‌اند. گفتنی است که برخی از کشورهای منطقه و جهان در تلاش‌اند تا گروه طالبان را به کاهش خشونت‌ها در کشور قانع سازند، زیرا این کشورها معتقدند که ادامه خشونت‌ها می‌تواند روند صلح را آسیب بزند.



دوشنبه، بیست‌ویکم میزان طالبان در هلمند را هدف قرار دادند و بر حمایت‌شان از نیروهای امنیتی افغان تاکید کردند.

در مهم‌ترین مورد، برخی از کشورهای منطقه و جهان همین اکنون با طالبان چانه می‌زنند تا این گروه را به کاهش خشونت‌ها در کشور متقاعد سازند. این کشورها معتقدند که ادامه خشونت‌های طالبان می‌تواند مذاکرات بین‌افغانی را با شکست روبه‌رو کند. این تلاش‌ها در حالی در دوحه ادامه یافته است که هیأت مذاکره‌کننده دولت تنها بر برقراری آتش‌بس پایدار تاکید می‌کنند. افزون بر این، دو طرف بحث تعیین میانجی یا دست‌کم تسهیل‌کننده را روی میز گذاشته‌اند. هر چند اعضای هیأت دولت و طالبان پیش از این گفته بودند که مذاکرات میان افغان‌ها ادامه دارد و میانجی خارجی‌ای در کار نیست، اما ظاهراً دو طرف پس از شکل گرفتن بن‌بست پیرامون تهیه کارشویه مذاکرات، به این نتیجه رسیده‌اند که بحث روی تعیین اجندا و چانه‌زنی روی ارزش‌ها به مراتب پیچیده‌تر از وضعیت کنونی خواهد بود. بدین ترتیب، منابع می‌گویند که احتمال حضور کشورهای مختلف به عنوان میانجی یا تسهیل‌کننده در مذاکرات مطرح است. گفتنی است که تاکنون چندین کشور برای تسهیل مذاکرات بین‌افغانی اعلام آمادگی کرده‌اند. مذاکرات بین‌افغانی با موجی از بیم و امید در بیست‌ودوم سنبله در دوحه گشایش یافت و تصور می‌شد که آغاز آن بتواند خشونت‌ها را کاهش دهد. با این حال، آمارهایی که روزانه از میدان‌های نبرد نشر می‌شود، نشان می‌دهد که مذاکرات متناسب به خواست شهروندان پیش نرفته است. به ویژه این‌که دو طرف در اوایل ماه روان نشست‌های رسمی را عملاً متوقف کردند و این کار، بیم شکست مذاکرات را بیش‌تر ساخت. با این حال، اعضای هیأت مذاکره‌کننده دولت و طالبان به گونه انفرادی نشست‌هایی داشتند که این دیدارها سرانجام به آغاز دوباره نشست‌های گروه‌های تماس منجر شد.

را نکه دارند و دولت نیز بدون تاکید بر موردی، گفت‌وگوهای اصلی را آغاز کند. این مذاکرات در حالی با کندی دنبال می‌شود که خشونت‌ها در کشور همچنان ادامه دارد. طالبان به تازه‌گی بالای مناطقی در هلمند یورش بردند و برخی از پاسگاه‌ها، به ویژه حوزه چهارم امنیتی لشکرگاه و برخی از نقاط درب ورودی این شهر را تصرف کردند. درگیری‌ها میان دو طرف روز سه‌شنبه، بیست‌ودوم میزان نیز ادامه یافت و نیروهای امنیتی در ولسوالی ناعلی و ساحه «باباجی»، از مربوطات حوزه چهارم امنیتی لشکرگاه پاسگاه ایجاد کردند. امریکا در سهم خود برای دومین بار به حملات تهاجمی طالبان بر هلمند واکنش نشان داد. راس ویلسون، کاردار سفارت امریکا در کابل افزون بر باز نشر توییت اسکات میلر، فرمانده عمومی نیروهای امریکایی و ناتو افغانستان، گفته است که گروه طالبان باید حملات تهاجمی‌اش بر هلمند را متوقف کند. وی تصریح کرده است که خشونت‌های اخیر گروه طالبان در کشور با توافق‌نامه دوحه سازگاری ندارد و تنها به از دست رفتن جان شهروندان و ویرانی می‌انجامد. کاردار سفارت امریکا در کابل همچنان از طالبان خواسته است که خشونت‌ها در سراسر کشور را نیز کاهش دهند. پیش‌تر، اسکات میلر نیز بر همین موقف تاکید کرده بود. این در حالی است که نیروهای امریکایی روز

منابع می‌گویند که دو مورد «تعیین مبنای فقهی برای رفع بن‌بست‌های مذاکرات بین‌افغانی» و به ویژه «تعیین مبنای برای پیش‌برد مذاکرات» همچنان میان هیأت مذاکره‌کننده دولت و طالبان جنجالی است. در حال حاضر، بحث مبنای مذاکرات اصل جنجال را تشکیل می‌دهد. دو طرف اما در جریان وقفه دو هفته‌ای، از موقف‌شان یک اینچ عقب‌نشینی نکرده‌اند. بدین ترتیب، طالبان همچنان بر تعیین «توافق‌نامه صلح امریکا و طالبان» به عنوان مبنای مذاکرات تاکید دارند و حکومت نیز تاکید دارد که «اعلامیه کابل و واشنگتن برای رسیدن به صلح در افغانستان است» یا چند بدیل دیگر به این مهم ضمیمه شود. افزون بر این، هیأت مذاکره‌کننده دولت پیشنهاد داده است که دو طرف بدون تعیین مبنای مذاکرات، گفت‌وگوهای اصلی را آغاز کنند. از آنجایی که آخرین موارد از سوی هیأت مذاکره‌کننده دولت پیشنهاد شده است، آغاز گفت‌وگوهای اصلی به تصمیم گروه طالبان تعلق دارد. از سوی هم، شورای عالی مصالحه ملی نیز خواهان آغاز گفت‌وگوهای اصلی است. عبدالله عبدالله، رییس این شورا در گفت‌وگو با یک شبکه هندی، گفته است که طالبان همین اکنون بر تعیین توافق‌نامه دوحه به عنوان مبنای پیش‌برد مذاکرات تاکید دارند. وی اما تصریح کرد که نیاز است که طالبان پیشنهادشان مبنی بر تعیین توافق‌نامه دوحه به عنوان مبنای مذاکرات

پس از توقف دو هفته‌ای دیدارهای رسمی هیأت مذاکره‌کننده دولت و طالبان در دوحه، گروه‌های تماس دو طرف بحث روی کارشویه مذاکرات را از سر گرفتند. هرچند گروه‌های تماس در این نشست پیرامون دو موضوع اختلافی گفت‌وگویی داشته‌اند، اما بحث روی آن به پیش‌رفتی منتج نشده است. با این حال، هیأت دولت و طالبان توافق کرده‌اند که گفت‌وگوها روی تهیه کارشویه مذاکرات متوقف نشود. طالبان تاکنون بر تعیین توافق‌نامه صلح دوحه به عنوان مبنای مذاکرات تاکید دارند. هیأت دولت اما گفته است که باید اعلامیه کابل و واشنگتن برای رسیدن به صلح در افغانستان نیز با این توافق‌نامه ضمیمه شود یا این‌که دو طرف به گونه مستقیم مذاکرات را به پیش ببرند. شورای عالی مصالحه ملی نیز می‌گوید که هیأت دولت و طالبان می‌توانند بدون تعیین مبنای مذاکرات، دست‌کم گفت‌وگوهای اصلی را آغاز کنند. این گفت‌وگوها در حالی دوباره به راه می‌افتد که طالبان حملات‌شان را بر مرکز هلمند و ولسوالی‌های هم‌جوار آن افزایش داده‌اند. گفتنی است که برخی از کشورهای منطقه و جهان در تلاش‌اند تا گروه طالبان را به کاهش خشونت‌ها در کشور قانع سازند، زیرا این کشورها معتقدند که ادامه خشونت‌ها می‌تواند روند صلح را آسیب بزند. گروه‌های تماس هیأت مذاکره‌کننده دولت و طالبان در پایان روز دوشنبه، بیست‌ویکم میزان پس از یک وقفه دو هفته‌ای دوباره در یک نشست رسمی پشت میز حضور یافتند. احمدنادر نادری، سخنگوی هیأت مذاکره‌کننده دولت پس از پایان یافتن این نشست با نشر یک توییت گفت که دو طرف «بحث‌های جدی» روی موارد اختلافی را ادامه داده‌اند. به گفته او، دو طرف توافق کرده‌اند که برای حل اختلاف‌ها در تهیه کارشویه مذاکرات بین‌افغانی، نشست‌ها را ادامه دهند. گروه طالبان نیز یک توییت را با عین محتوا نشر کرده است. محمدنعیم، سخنگوی دفتر سیاسی طالبان در قطر گفت که دو طرف توافق کرده‌اند تا بحث روی مسایل اختلافی ادامه یابد. با این حال، نشست دولت و طالبان به جز آغاز دوباره دیدارهای رسمی و تاکید بر تداوم آن، پیش‌رفت خاصی نداشته است.

## پس از اعتراض کارمندان؛

# شرکت برشنا طرزالعمل رژیم کاری‌اش را بازیابی می‌کند



اعجاز الحق سامی

در صورتی که طرح یادشده به گونه کامل در اداره‌های این شرکت در مرکز و ولایات عملی شود، بیش‌تر از هشت هزار کارمند را زیر پوشش می‌دهد. وزارت کار و امور اجتماعی اما موضوع نشر طرزالعمل افزایش زمان کاری کارمندان شرکت برشنا را یک سوءتفاهم می‌خواند. احمدجواد جویا، مسوول اطلاع‌رسانی این وزارت هرچند تایید کرد که شرکت برشنا در مورد تغییر رژیم کاری‌اش با این وزارت مشورت نکرده بود، اما افزود که در جلسه‌ای روز دوشنبه، بیست‌ویکم میزان با مسوولان شرکت برشنا، نشر این مکتوب سوءتفاهم و اشتباه خوانده شده است. این وزارت با آن‌که اقدام شرکت برشنا را خلاف دستورالعمل کار وزارت کار و امور اجتماعی می‌داند، اما به گفته آقای جویا، مسوولان شرکت برشنا تاکید کردند که این شرکت نیز همچنان سایر ادارات از دستورالعمل تعیین شده این وزارت پیروی می‌کنند. طرزالعمل جدید کاری شرکت برشنا در جریان روزهای گذشته در رسانه‌های اجتماعی درز کرد و واکنش‌هایی را به همراه داشت. در این طرزالعمل، درج شده بود که کارمندان ساعت هشت صبح به کارشان حاضر شوند و زمان پایان کار نیز پنج عصر خوانده شده بود. گفتنی است که بر اساس دستورالعمل وزارت کار و امور اجتماعی، زمان رسمی کاری در اداره‌ها دولتی از هشت صبح تا چهار عصر تعیین شد و با داخل شدن فصل خزان، رژیم کاری اداره‌ها بین ساعت‌های ۸:۳۰ تا ۳:۳۰ تنظیم شده است. گفتنی است که حکومت زمان کار در جریان اجرایی شدن طرح قرنطین را از هشت صبح تا یک پس از چاشت اعلام کرده بود.

حال با آن‌که هیچ کاری برای انجام دادن وجود ندارد او و همکارانش تا ساعت پنج شام مجبور اند آن‌جا بمانند. وحیدالله توحیدی، سخنگوی شرکت برشنا روز سه‌شنبه، بیست‌ودوم میزان به روزنامه ۸صبح گفت که این اداره برای اجرای خدمات بهتر و بیش‌تر، تصمیم گرفت تا هم‌مانند کارکنان ساحه‌های، اندکی به کار در اداره‌ها نیز بیزاید. با این حال، آقای توحیدی تصریح کرد که پس از ناراضی‌تی کارکنان شرکت برشنا در پیوند به این طرح، رهبری این شرکت تصمیم گرفت تا در اجرای این طرزالعمل بازنگری کند. رهبری این شرکت هدایت داده است که بر اساس طرزالعمل، رییس‌ان و آمران شرکت برشنا تا دیرتر در دفتر باشند، اما سایر کارمندان این شرکت قرار است از رژیم جدید کاری پیروی کنند. هر چند آقای توحیدی درباره طرح جدید این شرکت چیزی نمی‌گوید، اما تاکید می‌کند تغییراتی در این راستا آمده است و به زودی همه‌گانی خواهد شد. این اقدام در حالی از سوی ریاست برشنا صورت می‌گیرد که بر اساس قوانین موجود در دستورالعمل اضافه‌کاری، اداره‌ها مکلف‌اند در صورت تثبیت ساعات کاری اضافی، به کارمند متذکره یک مقدار پول معین را به عنوان اضافه‌کاری پرداخت کنند. سخنگوی شرکت برشنا اما تصریح می‌کند که در حال حاضر با اضافه شدن به زمان کاری کارمندان در طرح آینده، اعطای امتیازی در کار نیست. به گفته آقای توحیدی، این اداره در قرارداد با کارکنان این مطلب را در از همان اوایل روشن ساخته است که در بدل کار اضافه در این شرکت، هیچ نوع امتیاز به کارمندان اختصاص نمی‌یابد. گفتنی است که



این طرح را بازنگری خواهند کرد. شماری زیادی از کارمندان شرکت دولتی برشنا در مرکز و ولایات در واکنش به اضافه شدن دو ساعت به زمان کاری شان بدون دریافت اضافه‌کاری، آن را خلاف قوانین و دستورالعمل‌های کار می‌دانند. این کارمندان تصریح می‌کنند که پس از اجرایی شدن این طرح از سوی شرکت برشنا، با مشکلات گوناگونی مواجه شده‌اند. به گفته آنان، با اجرایی شدن طرح افزایش زمان کاری در چند روز اخیر، محافظان دروازه‌ها به کارمندان اجازه خروج پیش از ساعت پنج عصر را نمی‌دهند و این قانون را به گونه جبری بر کارکنان تحمیل می‌کنند. کارمندان این شرکت به شرط فاش نشدن نام‌شان، می‌گویند که در گذشته ساعت کاری در اداره‌های مربوط به شرکت برشنا بین ساعت هشت صبح الی ۳:۳۰ عصر تنظیم شده بود که اکنون این زمان تا ساعت پنج شام تغییر یافته است؛ موردی که برای کارمندان این شرکت در ولایت‌های نامن چالش بزرگی محسوب می‌شود. یکی از کارکنان این ریاست اما می‌گوید از زمان ارسال این مکتوب به اداره آنان تا

برخی کارمندان شرکت برشنا از اضافه شدن دو ساعت به زمان کاری‌شان بدون دریافت اضافه‌کاری، شکایت دارند. این کارمندان می‌گویند که از هفدهم میزان بدین سو پیش از ساعت پنج عصر اجازه خروج را ندارند و بدین ترتیب، این طرزالعمل از چهار روز بدین سو به گونه جبری بالای آنان تطبیق شده است. به گفته این کارمندان، اضافه شدن دو ساعت دیگر به زمان کاری، آنان را با مشکلات متعددی روبه‌رو کرده است. کارمندان شرکت برشنا از مسوولان می‌خواهند که در اجرای این طرح بازنگری کرده و هم‌مانند سایر نهادها از قانون و دستورالعمل وزارت کار و امور اجتماعی پیروی کنند. مسوولان در اداره کار و امور اجتماعی هرچند گفتند که در اوایل با این وزارت مشورت نشده بود، اما تصریح می‌کنند که در نشست روز دوشنبه، بیست‌ویکم میزان با شرکت برشنا، همه‌گانی شدن مکتوب افزایش زمان کاری از سوی این شرکت «سوءتفاهم» خوانده شده است. مسوولان در شرکت برشنا هرچند می‌گویند که خواسته‌اند تا این طرح را برای ارایه بیش‌تر خدمات عملی کنند، اما اکنون و پس از واکنش‌های کارمندان،



## افزایش حضور زنان در نظام تحصیلی؛ تلاش یک دهه برای پویایی

حنیف فرزان

معاون سخنگوی وزارت تحصیلات عالی

دستیابی به تحصیلات عالی و برخورداری از مهارت‌های بالای علمی، از کلیدی‌ترین عوامل رشد توانمندی‌ها و ظرفیت‌های فردی و گروهی است. تغییر و تحولات در شیوه‌های زیست و تغییر پارادایم جهان از جامعه‌ی صنعتی به جامعه‌ی اطلاعاتی، تحصیل برتر برای رسیدن به مشاغل خوب، کسب هویت ممتاز و شخصیت بالای اجتماعی را ضروری ساخته است.

یکی از مهم‌ترین معیارها جهت سنجش درجه توسعه‌یافته‌گی یک کشور، میزان اهمیت، دانش و اعتباری است که زنان در آن کشور دارا می‌باشند. تلاش برای فراهم‌سازی تحصیلات رسمی زنان و دختران در افغانستان، تاریخ طولانی دارد. در سال ۱۲۹۸ ه.ش در دوران امان‌الله خان نخستین فرصت‌های تحصیلی برای زنان فراهم شد. این فرصت‌های تحصیلی هم‌زمان با تأسیس دانشگاه کابل در سال ۱۳۱۱ ه.ش آغاز شد و این روند کماکان تا سال ۱۳۷۱ ه.ش ادامه یافت. در جریان سال‌های ۱۳۶۰ الی اواخر ۱۳۷۰ که تعداد بیش‌تر جوانان به خدمت سربازی سوق داده شدند، محصلان دختر بیش‌تر در تحصیلات عالی جذب شدند. تا سال ۱۳۶۹ تعداد جذب دختران رو به افزایش بود، ولی طی دهه ۷۰ کاهش فزاینده‌ای یافت تا آن‌که در دوره حاکمیت طالبان مکاتب ثانوی و دانشگاه‌ها به روی زنان مسدود شد. در سال ۱۳۸۱ مؤسسات تعلیمی و تحصیلی به روی زنان دوباره گشوده شد و روند شمولیت دختران در مکاتب و مؤسسات تحصیلات عالی افزایش یافت. تعداد محصلان دختر از صفر در سال ۱۳۸۱ به ۴۹۰۶۷ تن در نهادهای تحصیلات عالی دولتی در سال ۱۳۹۷ رسید. هم‌چنان تعداد استادان زن از ۲۰۴ تن در سال ۱۳۸۱ به ۸۲۲ تن در سال ۱۳۹۷ افزایش یافت. تعداد محصلان اناث در مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی نیز از ۲۶۶۹ تن در سال ۱۳۸۹ به ۵۲۶۹۶ تن در سال ۱۳۹۷ افزایش یافت و تعداد استادان زن در مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی از ۵۶ تن در سال ۱۳۸۹ به ۱۶۱۷ تن در سال ۱۳۹۷ افزایش را نشان می‌دهد. هم‌چنان در سال ۱۳۹۸ از میان ۱۴۳۳۸۶ دانشجو در نهادهای تحصیلی دولتی، ۵۴۸۶۱ تن آن دخترانند و این رقم با گذشت هر سال افزوده می‌شود. امروز تمام

نهادهای تحصیلات عالی خصوصی و دولتی شاهد حضور بیش از ۴۰۰ هزار محصل هستند که ۲۸ درصد آن‌ها را دختران تشکیل می‌دهند. طی هفده سال گذشته، تحصیلات عالی در افغانستان کوشیده است تا بخشی از فقر قوای بشری را با تربیت جوانان این کشور جبران کند. در سال ۱۳۸۱ تحصیلات عالی افغانستان در بسیاری بخش‌ها کارهایش را از نو شروع کرد و جان تازه گرفت. در این سال زنان از نقش کم‌تری در تحصیلات عالی برخوردار بودند و زمینه‌ی مناسب بنا بر دلایل متعدد برای آن‌ها جهت حضور در نهادهای تحصیلی مساعد نبود؛ اما در چند سال اخیر نقش و حضور زنان در تحصیلات عالی سیر صعودی خود را می‌پیماید.

وزارت تحصیلات عالی جهت حمایت هرچه بیش‌تر زنان، زمینه‌ی تحصیلات عالی را در مقاطع مختلف در خارج از کشور برای آنان فراهم و توجه نهادهای تحصیلی خارجی را جهت حمایت از زنان جلب کرد که از این میان دانشگاه آسیایی زنان سالانه ۵۰ سیت بورسیه تحصیلی را برای زنان اختصاص می‌دهد و هم‌چنان این وزارت زنان و دختران را جهت ادامه‌ی تحصیل به کشورهای مختلف فرستاده است. حضور زنان در سطح رهبری نظام تحصیلی کشور یکی از دیگر از عمده‌ترین فعالیت‌هایی است که وزارت تحصیلات عالی انجام داده است. همین اکنون زنان به عنوان رییس، معاون، مشاور، آمر، استاد و... در سطوح مختلف نظام تحصیلی دوشادوش مردان برای بهبود این نظام کار می‌کنند. حضور زنان در وزارت تحصیلات عالی و دانشگاه‌ها به مثابه نهادهای تحصیلی نسبت به اکثر وزارت‌خانه‌های دیگر امیدوارکننده است، با آن هم این وزارت سعی می‌ورزد تا روند حضور زنان را در سطح رهبری و تصمیم‌گیری این وزارت بیش‌تر سازد و نقش‌های کلیدی و مسوولیت‌های عمده را بر دوش آن‌ها بگذارد. نقش زنان در رهبری و تصمیم‌گیری در ولایات متفاوت است. در بسیاری از ولایات فرصت‌های مشارکت زنان در رهبری نسبتاً بهتر بوده، اما در بعضی دیگر ولایات به نسبت مشکلات فرهنگی، اجتماعی و امنیتی نگرانی‌ها و چالش‌هایی وجود دارد که حضور زنان را در سطوح مختلف ادارات محدود می‌سازد.

وزارت تحصیلات عالی مشکلات موجود بر سر حضور زنان را با جدیت بررسی کرده و با تدوین برنامه‌ها و

استراتژی‌ها، راه‌های غلبه بر آن را تدوین کرده است که از جمله می‌توان استراتژی جنسیتی و پالیسی منع تبعیض و استراتژی آزار و اذیت جنسی در نهادهای تحصیلات عالی را نام برد. این وزارت با نظارت مداوم، تطبیق پالیسی تبعیض مثبت، اتخاذ تصمیم اصلاحی و اقدامات حمایتی تلاش کرده است تا تعداد زنان را افزایش داده و فرصت‌ها را برای اعضای کادر علمی و دانشجویان دختر بیش‌تر سازد. ایجاد کمیته مبارزه با آزار و اذیت، ترتیب پلان برنامه دارای اولویت توان‌مندسازی ملی اقتصادی زنان، ایجاد کودکان در مرکز و نهادهای تحصیلی، ایجاد تبعیض مثبت در امتحان کانکور برای دختران، تدوین ورکشاپ‌های آموزشی جهت ارتقای ظرفیت زنان، ایجاد کورس‌های آموزش زبان انگلیسی، ایجاد فضای سالم و مصون کاری، تدوین طرز‌العمل‌ها و پالیسی‌ها در حمایت از زنان، ایجاد کمیته بودجه پاسخگو بر جندر، ایجاد بخش جندر در نهادهای تحصیلات عالی دولتی و خصوصی، فراهم ساختن وسایط نقلیه برای دختران در دانشگاه‌ها، تجهیز و ساخت لیبلیه برای دختران دانشجو و... از جمله عمده‌ترین فعالیت‌های کلیدی وزارت تحصیلات عالی در حمایت از دختران و زنان بوده که به خوبی صورت گرفته است.

وزارت تحصیلات عالی با در نظر داشت ماده ۴۳ قانون اساسی که می‌گوید «تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در مؤسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تأمین می‌گردد»، متعهد است تا برای همه‌ی شهروندان کشور بدون تبعیض میان زن و مرد بر علاوه خدمات تحصیلی، تساوی جندر را به شکل عادلانه مد نظر داشته باشد و زمینه‌های افزایش حضور زنان و دختران را در نهادهای تحصیلات عالی به عنوان استاد، دانشجو و کارمند فراهم سازد. توسعه تحصیلات عالی با کیفیت و دارای شرایط و امکانات مساعد برای تساوی جندر بر مبنای ارزش‌هایی چون تساوی حقوق، شایسته‌سالاری، موازین اسلامی، هم‌پسته‌گی ملی، مسوولیت‌پذیری و آماده‌گی برای خدمت‌گذاری به افغانستان، دیدگاه وزارت تحصیلات عالی در قبال زنان است که برای تحقق آن فعالیت‌های مؤثر صورت گرفته و برنامه‌های مفید دیگر نیز روی دست است تا برای افزایش حضور معنادار زنان در نظام تحصیلی کشور به منصفی اجرا گذاشته شود.

## حقوق مخاطب در تبلیغات تجارتي



بخش سوم

مرتضی محقی، استاد دانشگاه و دانشجوی دکتری حقوق خصوصی - murtaza.mohiqi@gmail.com

**سوم: کنوانسیون امریکایی حقوق بشر**  
کنوانسیون امریکایی حقوق بشر در سال ۱۹۶۹ توسط کشورهای قاره امریکا تهیه و تصویب شد. درباره آزادی ارتباطات تصریح می‌کند که «هر فردی دارای آزادی اندیشه و بیان است. این حق، بدون توجه به مرزها شامل کاوش و جست‌وجو، دریافت و انتشار اطلاعات و نظرات گوناگون است، اعم از شفاهی، کتبی، چاپی، به شکل هنری یا از طریق سایر وسایل به انتخاب آن فرد.»

در فصل چارچوب محدودیت‌های این کنوانسیون مرزها و حدود آزادی بیان و نشر نظرات و اطلاعات مشخص شده‌اند. طبق مندرجات این فصل، محدودیت‌هایی که بر اساس این کنوانسیون نسبت به استفاده یا اعمال حقوق یا آزادی‌های شناخته شده در این مقررات به کار گرفته می‌شود، تنها بر مبنای قوانینی صورت می‌پذیرد که به منظور حفظ منافع عمومی و طبق هدفی که چنین محدودیت‌هایی به خاطر آن اعمال شده‌اند، تصویب گردد. هم‌چنان در کنوانسیون امریکایی حقوق بشر آمده است که «مقررات این کنوانسیون ضمن این که هر گونه سانسور پیشاپیش را منع می‌کند، تأکید دارد که اعمال آزادی‌های مندرج در کنوانسیون تابع محدودیت‌هایی است که به طور شفاف و روشن توسط قانون معین خواهد شد. این محدودیت‌ها باید به میزانی باشد که اولاً احترام به حقوق و حیثیت دیگران را تأمین کند و ثانیاً امنیت ملی، نظم عمومی یا سلامت و اخلاق عمومی را حفظ نماید.»

کنوانسیون مذکور محدودیت دیگری هم برای حفظ اخلاق کودکان و جوانان تعیین می‌کند و

تصریح می‌نماید که با وجود مقررات فوق‌الذکر، سرگرمی‌های عمومی پیشاپیش تابع سانسور اند، به منظور این‌که شیوه دسترسی به آن‌ها برای محافظت اخلاقی از کودکان و نوجوانان تنظیم گردد. در این مقررات، «هر گونه تبلیغات در خصوص جنگ و هرگونه حمایت و دفاع از تنفر ملی، نژادی یا مذهبی که موجب تحریک به خشونت‌های غیرقانونی یا هر عمل نامشروع مشابه، علیه هر شخص یا گروهی در زمینه‌ای شامل نژاد، رنگ، مذهب، زبان یا اصل و نسب می‌شود، به عنوان جرایم قابل مجازات توسط قانون» شناخته شده‌اند (بندهای ۳، ۴ و ۵ ماده ۱۳ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر).

کنوانسیون امریکایی حقوق بشر، به حق تصحیح و پاسخگویی اشاره کرده و این حق را برای مخاطبان رسانه‌های گروهی در نظر گرفته است. کنوانسیون فوق‌الذکر چنین مقرر می‌دارد: «هر فرد لطمه دیده و متضرر از سخنان یا نظریات نادرست و اهانت‌آمیزی که برای کل مردم و توسط یک رسانه گروهی قانونی منتشر شده‌اند، حق دارد که بر اساس شرایطی که قانون معین کرده، پاسخگویی کند یا از طریق همان رسانه مطالب منتشره را تصحیح نماید». نکته‌ای که در این بند می‌توان به آن اشاره کرد «رسانه‌های گروهی قانونی» است. به نظر می‌رسد با توجه به مفهوم مخالف آن، قانون‌گذار، رسانه‌های گروهی غیرقانونی را از قلمرو این بند خارج کرده و الزامی برای آن در نظر نگرفته است. با این حال ممکن است تأثیر یک رسانه‌ی غیرقانونی، به همان اندازه تأثیر یک رسانه قانونی باشد.

**چهارم: اعلامیه اسلامی حقوق بشر**

اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز سندی است که کم‌وبیش حقوق مخاطبان را به عنوان حقوق بنیادین مانند حق بیان آزاد، حق حریم خصوصی و حق احترام به مالکیت ادبی مورد توجه قرار داده، ولی به حق پاسخگویی اشاره‌ای نکرده است. به نظر می‌رسد در این اعلامیه به وظایف رسانه‌های گروهی اشاره نشده است، اینک به برخی مواد

آن اشاره می‌شود: اعلامیه اسلامی حقوق بشر به آزادی بیان پرداخته و هم‌چنان محدودیت‌های آن را مشخص کرده است. قانون‌گذار در ماده ۲۲ چنین بیان می‌دارد: «۱- هر انسانی حق دارد نظر خود را به شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد، آزادانه بیان دارد. ۲- هر انسان حق دارد برای امر به خیر و نهی از منکر بر طبق ضوابط شریعت اسلامی دعوت کند. ۳- تبلیغات یک ضرورت حیاتی برای جامعه است و سواستفاده و سوءاستعمال آن و حمله به مقدسات و کرامت انبیاء یا به‌کارگیری هر چیزی که منجر به ایجاد اختلال در ارزش‌ها یا زیان یا متلاشی شدن اعتقاد شود ممنوع است. ۴- برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا هر چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی گردد، جایز نیست.» اعلامیه اسلامی حقوق بشر حق احترام به مالکیت ادبی را در ماده ۱۶ مورد تأکید قرار داده و از دست‌آوردهای علمی یا ادبی حمایت می‌کند و بیان می‌دارد: «هر انسانی حق دارد از ثمره دست‌آوردهای علمی یا ادبی یا هنری یا تکنولوژیکی خود سود برد و حق دارد از منافع ادبی و مالی حاصله از آن حمایت کند، مشروط بر این‌که آن دست‌آورد مغایر با احکام شریعت نباشد.»

اعلامیه اسلامی حقوق بشر به حق احترام به حریم خصوصی نیز اشاره کرده است. در ماده ۱۸ اعلامیه مذکور چنین جامعه آمده است: «۱- هر انسانی حق دارد که نسبت به جان و دین و خانواده و ناموس و مال خویش، در آسوده‌گی زنده‌گی کند. ۲- هر انسانی حق دارد که در امور زنده‌گی خصوصی (در مسکن و خانواده و مال و ارتباطات) استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او و مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل هرگونه دخالت زورگویانه در این موارد حمایت شود». از مطالب فوق به این نتیجه می‌رسیم که اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز حقوق مخاطبان را به عنوان حقوق بنیادین به رسمیت شناخته و از آن حمایت کرده است. ادامه دارد...

۳۶۰ درجه

## نیمه‌ی پر یا خالی گیلاس



سعید حقیقی

یک زمان نیمه‌ی خالی و پر گیلاس تقریباً ورد زبان اکثر مردم شده بود، هرچند هنوز هم ادامه دارد، ولی نه با آن شدت گذشته. بسیاری‌ها تلاش داشتند برای اثبات ادعای خود از این روش استفاده کنند. تا حرفی می‌زدی، طرف می‌گفت من نیمه‌ی پر گیلاس را می‌بینم و تو نیمه‌ی خالی آن را. نتیجه این می‌شد که طرف خودش را انسانی خوش‌بین معرفی کرد و تو را فردی بدبین. اما من هرگز ندیدم که واقعاً این روش در مسایل اجتماعی و سیاسی جواب داده باشد. نمی‌دانم مخترع اولیه این نظریه کی بوده، ولی هرکس بوده، نبض مردم را خوب در دست داشته است. من بارها گیلاس آب را تا نیمه گذاشتم پیش روی دوستانم و پرسیدم چه می‌بینند. پاسخ دادند که گیلاس آب. هیچ کس نگفت که یک گیلاس نیمه‌خالی یا نیمه‌پر. از این‌جا متوجه شدم که بسیاری‌ها بدون آن‌که اطلاعات دقیقی از مسایل داشته باشند، حرف‌هایی می‌زنند. این حرف‌ها هم دلایل خاص خود را دارد؛ یا برای مقصد خاص سیاسی صورت می‌گیرد و یا هم برای عوام‌فریبی.

اخیراً کتابی از هانس روسلینگ به نام «زنده‌گی بر محور حقیقت» می‌خواندم که چشم‌هایم را به روی بسیاری از این‌گونه دیدگاه‌ها و نظرات باز کرد. نویسنده‌ی کتاب مدعی است که بسیاری از ادعاهای ما، صحت علمی چندانی ندارند و یا هم اگر شمه‌ای از واقعیت را در خود نهفته باشند، ولی به‌روز شده نیستند. مثلاً خودش که از سوئد است، می‌گوید یک زمان از شاگردانش پرسیده که میزان مرگ‌ومیر کودکان در کشور چهقدر است. پاسخ‌هایی را که می‌شنود، واقعاً حیرت‌آور است؛ چون اکثر شاگردان صنف از آمارهای رسمی استفاده می‌کنند، ولی از ده سال پیش، و به خود زحمت نمی‌دهند که ببینند گزارش‌های تازه و به‌روز شده در این خصوص چه می‌گویند.

نویسنده باور دارد که بخش عمده‌ای از اطلاعات ما از مسایل جامعه و حول و حوش ما بر پایه‌ی چنین اطلاعاتی استوار شده است. یک بار که ما گزارشی را حتا از یک مرجع معتبر علمی خواندیم، همان در ذهن ما حک می‌شود و دیگر به دنبال داده‌های تازه نمی‌گردیم. بدتر از همه که بر پایه‌ی همین اطلاعات، پشت سرهم اوضاع را تحلیل و ارزیابی می‌کنیم.

وقتی این کتاب را خواندم، متوجه شدم که وضعیت ما در افغانستان که آن قدر اطلاعات موثق و دقیق هم در مورد اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن وجود ندارد، واقعاً اسفبار است. ما حداقل به سیستم‌هایی هم دسترسی نداریم که همان اطلاعات اولیه را در اختیار ما قرار دهد و یا نهادهایی باشند که در مورد مسایل مختلف جامعه همیشه کنکاش و پژوهش کنند. وقتی بیست سال پیش در یک مورد تحقیقی صورت گرفته که حتا اعتبار آن در همان زمان نیز زیر سوال بوده، ولی تا هنوز به عنوان منبع معتبر از سوی سیاستمداران و دولت‌مردان مورد استفاده قرار می‌گیرد. به چنین کاری، کار علمی نمی‌گویند. مبنای کار علمی، نظریه و پژوهش است. وقتی کسی می‌گوید که نصف جمعیت افغانستان طرف‌دار طالبان هستند، فقط یک نظریه را بیان کرده و برای اثبات آن نیاز به تجربه و مشاهده‌ی علمی دارد تا نظریه‌اش را داده‌های عینی ثابت کنند. استارک در کتاب جامعه‌شناسی خود می‌گوید مردم از همان ابتدای خلقت می‌دانستند که وقتی چیزی را از بلندی پرتاب کنند، با سرعت

بیش‌تر به سمت زمین می‌آید و به همین دلیل در جنگ‌ها تلاش می‌کردند تا در برابر حریفان‌شان در یک موقعیت بلند قرار بگیرند. اما این نظریه زمانی به علم تبدیل شد که مراحل اثباتی آن به شیوه‌های مشخص علمی انجام گرفت. ما در افغانستان هیچ رقم مشخص و واقعی از جمعیت نداریم. نمی‌دانیم نفوس افغانستان چهقدر است. آخرین سرشماری نفوس به نظرم در سال ۱۳۵۷ انجام شد، ولی تا امروز جمعیت افغانستان براساس اطلاعات ناقص و گاه نامعتبر اعلام می‌شود. یک زمان سازمان‌های خارجی برای هدف‌های خاصی یک سرشماری اعلام کردند و برخی نهادهای دولتی رقم‌های دیگری و تا هنوز هم معلوم نیست ۹۰ درصد مردم این کشور زیر خط فقر زنده‌گی می‌کنند، هیچ کسی نیست بپرسد که این رقم را از کجا آورده است. کدام تحقیق علمی در این مورد صورت گرفته است؟ شاید برخی آن را به این دلیل معتبر دانستند که از رییس جمهور کشور انتظار نمی‌رود علیه خود عریضه کند، ولی آن سوی سکه را شاید نخوانده باشند که او شاید از همین علیه خود عریضه کردن هم بخواهد به هدف خاصی به نفع خود برسد. شما چه می‌گویید؟ در مورد گروه‌های مسلح مخالف دولت هم همین وضعیت جاری است. مثلاً گفته می‌شود در افغانستان بیش از ۲۰ گروه مسلح به نام‌های مختلف در حال جنگ‌اند که طالبان یکی از آن‌ها است. من واقعاً نفهمیدم که این رقم را دولت‌مردان کشور از کجا آورده اند. در این‌که شبکه‌های تروریستی زیادی در افغانستان فعالیت جنگی دارند و به مقاصد مختلف تمویل هم می‌شوند، جای شک نیست، ولی باید در آرایه ارقام و آمار محتاط بود و از همه بیش‌تر در پذیرش آن‌ها.

نکته‌ی جالب و آخری این‌که وضعیت امنیتی در بسیاری از ولایت‌های کشور وخیم نیست، بل آن سوی وخامت قرار دارد؛ اما مسوولان امنیتی و دولتی می‌گویند همه چیز گل و گلزار است و طالبان گروهی نیست که در برابر آن‌ها تاب مقاومت داشته باشد. والی هرات که به جنگ طالبان در یکی از نزدیک‌ترین ولسوالی‌های این شهر رفته بود، در پاسخ به خبرنگاری می‌گفت که ما به دلیل گفت‌وگوهای صلح در حالت تدافعی قرار داشتیم که طالبان چنین جسور شدند و آمده حمله کردند که نزدیک بود ولسوالی را تصرف کنند، اگر در حالت تهاجمی می‌بودیم، حالا نشانی از طالبان در کل افغانستان یافت نمی‌شد. حالا نمی‌دانم چرا با چنین روحیه و نیرویی بازهم ما باید پشت میز مذاکره قرار داشته باشیم. خوب نیست که طالبان را از صفحه‌ی روزگار محو کنیم که جامعه از شرشان خلاص شود؟ شاید او مانعیم بیش از حد دولت‌مردان چنین اجازه‌ای ندهد، همان‌گونه که برای آقای ترمپ هم نداد و مجبور شد سرانجام با یک گروه تروریستی منحط توافق‌نامه امضا کند. چون اگر متوسل به جنگ می‌شد که تا هنوز نشده بود، ممکن بود نزدیک به ده میلیون باشنده‌ی افغانستان کشته شوند.



# درخواست پایان آزمایش بکارت؛ سالانه دست کم ۱۵۰ آزمایش در طب عدلی انجام می شود

روحي و روانی بر آزمایش شدهگان به جا گذاشته است. اکثر آزمایش شدهگان در مصاحبه با کمیسیون مستقل حقوق بشر گفتهاند که پس از انجام این معاینات، از فرد معرفی کننده، داکتر معاینه کننده و اعضای خانوادههایشان احساس نفرت کردهاند. همین طور شماری دیگر از آزمایش شدهگان بعد از انجام معاینات، دست به خودکشی زدهاند.

در همین حال سازمان دیدهبان حقوق بشر نیز با کمیسیون مستقل حقوق بشر هم صدا شده و خواستار توقف آزمایش پرده بکارت در افغانستان شده است. این نهاد، روز سه شنبه، بیست و دوم میزان، با نشر اعلامیه ای آزمایش بکارت را «غیرعلمی» و «تحقیرآمیز» خوانده است. سازمان دیدهبان حقوق بشر در این اعلامیه از رییس جمهور غنی خواسته است که با صدور فرمانی، یک بار و برای همیشه به آزمایش بکارت دختران که این سازمان آن را «سوءاستفاده بی رحمانه و بی هدف» خوانده، پایان دهد. این سازمان تصریح کرده است که در افغانستان قانونی که به آزمایش بکارت پایان دهد، وجود ندارد.

از سوی دیگر نشر گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر و واکنش تند لوی سارنوالی روبرو شده است. این اداره نشر گزارش این کمیسیون را بی اساس خوانده و گفته است که این گزارش اعتبار علمی و تحقیقی برخوردار نیست. این اداره هم چنان تأکید کرده است که معاونت لوی سارنوالی برای دفاع و حمایت از حقوق زنان مطابق به کود جزا و اساسات دفاع از حقوق زنان اجرای وظیفه می کند.

گفتنی است که معاینات بکارت در کشور در حالی انجام می شود که آزمایش آن بدون رضایت و حکم محکمه چندی پیش توسط کابینه ممنوع اعلام شد. به همین ترتیب انجام چنین آزمایش هایی از سوی سازمان جهانی صحت نیز غیرمعتبر و فاقد اعتبار علمی خوانده شده است.



ولایت کشور مصاحبه انجام داده بود که از این میان ۱۱۹ تن (۹۲،۳ درصد) بدون رضایت و حکم محکمه آزمایش پرده بکارت شده بودند. یافته های این گزارش نشان می دهد که از میان ۱۲۹ تن تنها یک زن رضایت به انجام این آزمایش داشته و نه زن دیگر نیز به حکم محکمه مورد آزمایش قرار گرفته اند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر از انجام چنین آزمایشات انتقاد کرده و گفته است که انجام آزمایش های نسایی زنان از جمله معاینات پرده بکارت و معایناتی که برای اثبات جرایم تجاوز جنسی، زنا یا لواط انجام می شود، هنوز هم در کشور جریان دارد. کمیسیون مستقل حقوق بشر استدلال کرده است که انجام چنین آزمایش هایی نظر به فقره دوم ماده ۶۴۰ کود جزا، غیرقانونی است، زیرا در این قانون تصریح شده که انجام این معاینات مشروط به رضایت زن و حکم محکمه ای باصلاحیت است.

با این همه کمیسیون مستقل حقوق بشر خاطرنشان کرده است که انجام آزمایش های پرده بکارت، ضربات

است که در سطح کشور تنها طب عدلی جواز معاینات «عدلی طبی» را دارد، از این رو هیچ نهاد غیردولتی دیگر حق انجام چنین معایناتی را ندارد. از سویی هم ریاست طب عدلی تصریح کرده است که هر چند معاینات عدلی طبی در برخی ولایات توسط داکتران کلینیکی نیز انجام می شود، اما موارد مغلق آن در مرکز صورت می گیرد.

از جانب دیگر ریاست طب عدلی تصریح کرده است که براساس آمار این نهاد، میزان تجاوز جنسی در سال جاری نسبت به سال گذشته افزایش داشته است. این نهاد افزوده است که سالانه در حدود ۱۰۰ الی ۱۵۰ آزمایش عدلی طبی را انجام می دهد. ریاست طب عدلی گفته است اکثر واقعاتی که به این نهاد ارجاع می شود، زیر نام تجاوز جنسی است که شامل زنا و لواط می شود. این در حالی است که کمیسیون مستقل حقوق بشر نیز روز یکشنبه، بیستم میزان، گزارش تحقیقی خود را تحت عنوان «معاینات اجباری نسایی زنان» به نشر رساند. کمیسیون مستقل حقوق بشر با ۱۲۹ زن در ۱۳

هم زمان با نشر گزارش تحقیقی کمیسیون مستقل حقوق بشر مبنی بر آزمایش نسایی زنان، طب عدلی به روزنامه ۸ صبح می گوید که هیچ آزمایش نسایی زنان به صورت غیرقانونی و بدون حکم محکمه انجام نمی شود. به گفته ای این نهاد، این آزمایش تنها در این ریاست انجام می شود و هیچ نهاد غیردولتی دیگر اجازه ای انجام چنین معاینات را ندارد. این در حالی است که سالانه بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ مورد معاینه ای عدلی طبی در این نهاد انجام می شود.

پیش تر کمیسیون مستقل حقوق بشر در گزارشی گفته بود که بیش از ۹۲ درصد آزمایش های نسایی زنان بدون رضایت و حکم محکمه انجام شده است. کمیسیون مستقل حقوق بشر معاینات اجباری نسایی زنان از جمله معاینات پرده بکارت و معایناتی که برای اثبات تجاوز جنسی، زنا و لواط انجام می شود را «غیرقانونی»، «تحقیرکننده» و «تقصیر کرامت انسانی» دانسته است. این کمیسیون تصریح کرده است که انجام چنین معایناتی، خلاف مفاد قواعد و مقررات بین المللی و مغایر با منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه حقوق بشر، میثاق بین المللی، حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون منع شکنجه است. کمیسیون مستقل بشر هم چنان گفته است که معاینات پرده بکارت از اعتبار علمی برخوردار نیست، از این رو انجام چنین آزمایش هایی باید ممنوع شود. هم زمان با این، دیدهبان حقوق بشر نیز از دولت خواسته است که انجام آزمایش بکارت را ممنوع کند.

ریاست طب عدلی وزارت صحت عامه می گوید که این ریاست تمامی معاینات عدلی را براساس رضایت و حکم محکمه انجام می دهد. به گفته ای ریاست طب عدلی، تمامی معاینات عدلی طبی که به این ریاست راجع می شود، از سوی ارگان های عدلی و قضایی و نهادهای کشفی معرفی می شوند. این ریاست گفته است که به ارگان های عدلی و قضایی پاسخگو است، از این رو هرگاه اشخاص به صورت غیرقانونی برای انجام معاینات مرجعه کنند، پذیرفته نمی شود. در عین زمان ریاست طب عدلی خاطرنشان کرده



زهرا غفاری

## اعتصاب صرافان در هرات؛

# یک صراف از خانه اش ربوده شد

بازداشت شده اند و بررسی های پولیس در این مورد هنوز جریان دارد.

از جانب دیگر، اداره محلی هرات تأکید دارد که بر اساس دستور والی هرات، ادارات امنیتی مکلف شده اند تا از تمام امکانات خود برای مهار جرایم در این ولایت استفاده کنند. جیلانی فرهاد، سخنگوی والی هرات، می پذیرد که ربوده شدن افراد سرمایه دار سبب ایجاد نگرانی میان مردم شده است.

چندی پیش به دنبال افزایش انتقادات مردم از وضعیت امنیتی هرات، هیأت مشترکی از نهادهای امنیتی به دستور رییس جمهور به هرات سفر کرد. به دنبال بررسی های آن، دست کم ۴۶ مقام ارشد پولیس به شمول امر امنیت پولیس هرات برکنار شدند.

عبیدالله نورزی، فرمانده پیشین پولیس هرات، به تازه گی از وظیفه اش برکنار شد و سلطان داوود، روز شنبه ی همین هفته کارش را به عنوان فرمانده پولیس این ولایت آغاز کرد و هشدار داد که دزدی و آدم ربایی را مهار می کند، اما سه روز پس از این هشدار، در رویدادی کم سابقه، یک صراف از داخل خانه اش ربوده شد.

از دید این عضو شورای ولایتی هرات، در اوضاعی که تحرکات طالبان در بخش های گوناگون ولایت هرات افزایش یافته است، افراد تبه کار می خواهند از این آشفته بازار سوءاستفاده کنند و همین امر سبب افزایش واقعات دزدی مسلحانه و آدم ربایی شده است.

سلطان داوود، فرمانده پولیس هرات، هم دستی پولیس با آدم ربایان را بی اساس می داند و از هراتیان می خواهد که در صورت مواجه شدن با موارد مشکوک، نیروهای امنیتی را در جریان قرار دهند. او هشدار می دهد که تمام آدم ربایان را به «تیر می بندد» و اجازه نمی دهد امنیت را برهم بزنند.

بر اساس معلومات او، صراف ربوده شده چهار محافظ مسلح داشت، اما چهار مرد مسلح ساعت هفت شام وارد خانه اش شدند و حدود یک ساعت منزل او را بازرسی کرده و افزون بر سرقت پول و اشیای وی، این مرد را نیز با خود برده اند.

این مقام امنیتی می افزاید که پولیس پس از وقوع رویداد وارد عمل شده و در جریان بررسی چند منزل مسکونی، برخی افراد مشکوک در پیوند به این قضیه

صحبت با روزنامه ۸ صبح می گوید که اعضای این اتحادیه به دنبال ربوده شدن محمد اسماعیل صراف، به دلیل افزایش ناامنی و آدم ربایی ها، دست از کار کشیده و اعتصاب کرده اند.

به گفته ای او، احتمال دارد که برخی اتحادیه های دیگر از جمله اتحادیه زرگران هرات نیز به دلیل افزایش ناامنی ها در هرات، هم سو با اتحادیه صرافان، دست به اعتصاب کاری بزنند. به تازه گی یکی از وابسته گان رییس اتحادیه صرافان هرات و یک پلافرش در هرات ربوده شده اند.

برخی اعضای اتحادیه صرافان هرات، با انتقاد تند از عمل کرد مقام های امنیتی در مهار جرایم، ربوده شدن این صراف از خانه اش را «اوج ناامنی» در این شهر می دانند. بهبود قلعه نوی، از صرافان هرات، به این باور است که هراتیان پیش از این در کوچه و خیابان امنیت نداشتند، اما حالا ناامنی چنان افزایش یافته که در خانه های شان هم امنیت ندارند.

غلام محمد، یکی دیگر از صرافان هرات، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می گوید: «وضعیت شهر هرات واقعاً خراب است. ناامنی و آدم ربایی به اوج رسیده و کسی جرأت نمی کند از خانه اش خارج شود. وقتی مردم از داخل خانه های خود ربوده می شوند، پس کجا امنیت وجود دارد؟»

به باور او، نهادهای امنیتی با گروه های خلاف کار و آدم ربایان هم دست اند و اگر چنین نباشد، چگونه ممکن است که گروهی از افراد مسلح در یکی از امن ترین مناطق شهر، آزادانه دست به آدم ربایی بزنند و صراف را با خود ببرند.

برخی اعضای شورای ولایتی هرات نیز ادعا دارند که بدون همکاری افرادی از درون بخش های امنیتی با آدم ربایان، ممکن نیست آنان بتوانند افراد سرمایه دار را اختطاف کنند. داکتر مهدی حدید، عضو شورای ولایتی هرات، خواهان برکناری و مجازات آن شمار از مقام های پولیس است که در مهار جرایم ناکام اند.

مردان مسلح شب هنگام با حمله بر منزل یک صراف در هرات، پول های نقد و اشیای قیمتی او را دزدیده و خودش را اختطاف کردند. وقوع این رویداد در یکی از امن ترین مناطق شهر هرات، بر نگرانی ها



محمد امین نیکخواه

از وخامت اوضاع امنیتی و افزایش جرایم جنایی افزوده است. اعضای اتحادیه صرافان هرات در واکنش به این رویداد، بازار صراف ها را بستند و از مقام های امنیتی به دلیل ناکامی در مهار جرایم سخت انتقاد کردند.

شماری از اعضای شورای ولایتی هرات، حمله ای مردان مسلح بر منزل این صراف و ربوده شدن او را پرسش برانگیز دانسته و احتمال می دهند که برخی افراد در نیروهای پولیس با گروه هایی که مرتکب جرایم می شوند، هم دست هستند.

فرماندهی پولیس هرات، ربوده شدن این صراف را می پذیرد و از تلاش بخش های امنیتی برای شناسایی و بازداشت عاملان خبر می دهد. اداره محلی هرات نیز بر تلاش مشترک بخش های امنیتی برای مهار جرایم به ویژه آدم ربایی تأکید دارد.

بر اساس معلوماتی که برخی منابع معتبر امنیتی در اختیار روزنامه ۸ صبح قرار داده اند، گروهی از مردان مسلح شام دوشنبه، بیست و یکم میزان، بر خانه ای محمد اسماعیل، یکی از صرافان سابقه دار هرات، حمله کرده اند.

به روایت منابع، این افراد که شمارشان بیش تر از چهار نفر بوده است، حوالی ساعت هفت شام وارد خانه ای این صراف شده و حدود یک ساعت داخل خانه بودند و در جریان این مدت، پول های نقد و اشیای قیمتی او را دزدیده و در نهایت خودش را نیز برده اند.

منابع معتبر در پولیس هرات تأیید می کنند که این صراف، از چندی قبل توسط افراد ناشناس با تماس های تلفنی تهدید می شد و سرانجام افراد مسلح با حمله بر خانه اش، وی را ربودند. بررسی تصاویر دوربین های امنیتی از سوی پولیس نشان می دهد که دست کم چهار مرد مسلح او را اختطاف کرده اند.

بهالالدین رحیمی، رییس اتحادیه صرافان هرات، در





افغانستان کشوری است که بیش‌تر به گورستان امپراطوری‌ها در طول تاریخش لقب گرفته است. تجارب تاریخی نشان داده است که این کشور توسط هیچ یک از قدرت‌های وقت در قرون ۱۸، ۱۹ و ۲۰ به گونه قطعی تصرف و اشغال نشده است؛ اما در بعد سیاسی تا پرتگاه هم پیش رفته است.

این کشور بعد از خروج قوای اتحاد شوروی پیشین دچار تحولات و اتفاقات تلخ شد و کشور را وارد گذار از مرحله جنگ سرد ساخت، اما با حمله امریکا به افغانستان و حضورش در کشور داستان شکل دیگر به خود گرفت. برای تمرکز بیش‌تر به این ماجرا بهتر است کمی به عقب برگردیم:

در سال‌هایی که نشانه شکست بلوک شرق به ویژه در افغانستان کم‌کم نمایان می‌شد، غرب اما در مقابل برای خیلی از داستان‌ها و سناریوهای پیچیده آینده سیاست جهانی آماده‌گی تام گرفت. هژمونی امریکا بر خاورمیانه به ویژه بر جهان اسلام، شرق دور، و جنوب آسیا درشت‌ترین برنامه‌هایی بودند که زیبگنیف برژینسکی، هنری کیسینجر، نوام چامسکی و ادوارد سعید آن را تدارک دیدند و در قالب برنامه و عمل ریختند.

برژینسکی خط‌مشی پنجاه ساله ایالات متحده امریکا را به عنوان اب‌قدرت معظم به کشورهایی که در هدف امریکا شامل هستند به عنوان دورنمای ثابت ترسیم کرد. وی توانست جیمی کارتر را متقاعد کند که حمایت از مجاهدین افغان علیه حزب دموکراتیک خلق افغانستان موجب می‌شود تا ارتش شوروی برای مداخله در افغانستان تحریک شود. او معمار ظهور و رشد جهادی‌های اسلامی در سیاست بین‌المللی است. باور کیسینجر بر این باور بود که نظم نوین روابط بین‌الملل مداخله‌گری امریکا را توجیه می‌کند. او افغانستان را جهنم تمام‌نشدنی برای اوپاما دانسته بود. چامسکی بر این عقیده بود که دموکراسی سلاح فکری این مداخله‌گری است.

ادوارد سعید هم این نظر را داشت که حمایت از اسلام سیاسی و ایدیولوژیک ابزار این مداخله‌گری است.

با خروج شوروی و در جریان حکومت مجاهدین و طالبان، گروه‌های بنیادگرای اسلامی به پشتی‌بانی کشورهای منطقه به شمول پاکستان برای مقابله با حکومت کابل وارد صحنه شدند. به موجب کشته‌شدن احمدشاه مسعود در سال ۲۰۰۱ و متعاقباً رخ دادن یازدهم سپتامبر که معادلات سیاسی جهان را تغییر داد و شکل تازه‌ای بخشید، زمینه برای حضور نظامی بیش از ۵۰ کشور در افغانستان په رهبری ایالات متحده امریکا فراهم شد. ولی ظاهراً با روی کار آمدن پلان نظم نوین جهانی که در راس امریکا بود و بعدها که توافقات بن، شیکاگو و مونیخ برای رسیدن به صلح منعقد شد و مهم‌تر هم این‌که با وجود حضور بیش از ۵۰ کشور از اعضای ناتو و سرازیر شدن پول‌های هنگفت افغانستان اما نه تنها به صلح دست پیدا نکرد، بلکه سناریو پیچیده‌تر شد و حتا برای حکومت شناسایی دوست و دشمن مشکل و حتا به سرحد ناممکن رسید و نیز هزینه هنگفت و قربانی زیادی روی دست امریکا گذاشت.

هرچند دیدگاه‌ها با ورود امریکا بر این بود که کمک‌هایی که افغانستان قرار است از آن بهره‌مند شود سرنوشت افغانستان را کاملاً عوض خواهد کرد. اما هزینه این حضور چیز دیگری از آب در آمد ( نزدیک به ۲۰ سال حضور در افغانستان و جنگ فرسایشی که راهبردهای جورج بوش، باراک اوباما و دونالد ترامپ در حل معضل و پایان جنگ افغانستان عاجز ماندند.

**طالبان اما در میان کشمکش‌های افغانستان از کجا به میان آمدند؟**

ترکی الفیصل که رهبری سازمان استخبارات عربستان سعودی را در دوران جنگ سرد به عهده داشت در جریان یکی از سفرهایش به اسلام‌آباد در سال‌های نخست دهه ۸۰ به پرسشی از خبرنگار اشپیگل آلمان پاسخ مورد بحث داد.

پرسش خبرنگار این بود: شما منابع زیادی را برای جنگ علیه شوروی در افغانستان هزینه کرده‌اید، اگر روزی برسد که مجاهدین افغان پیروز شوند و بر منافع ملی‌شان نسبت به شما ارجحیت بدهند، آنگاه شما در مقابل چه خواهید کرد؟

پاسخ ترکی الفیصل: فکر و ایدیولوژی همه رزمنده‌گان اسلامی را ما رهبری می‌کنیم. اگر آن‌ها منافع‌شان را نسبت به ما ارجحیت دهند، آنگاه جایگزینی برای‌شان خلق می‌کنیم. ما بهترین شریک استراتژیک در منطقه داریم. (منظورش آی‌اس‌آی بود.)

حاصل آن شد که با ورود مجاهدین به کابل، جنگ‌های

## مذاکرات دوحه؛

# دو راه، یک هدف



آن و کشاندن طالبان به پای میز مذاکره و صلح هیچ پیش‌شرطی نگذاشت و حتا گفت که با پذیرفته شدن پیام صلح از سوی طالبان، این گروه من‌حیث یک جریان سیاسی به رسمیت شناخته می‌شود و حتا گذرنامه برای آنان داده خواهد شد. نام این گروه از فهرست سیاه حذف خواهد شد و مورد حمایت مالی حکومت قرار خواهد گرفت. اما سرانجام پاسخ ناامیدکننده از سوی طالبان ارائه شد و آن این‌که پذیرفتن این پیام حکومت به معنای تسلیم شدن است و این گروه از جنگ نمی‌هراسد و راه خود را بر حق می‌داند و به نبرد ادامه می‌دهد.

شکاف و اختلافات در میان حکومت، به تمام حرکات تحریک طالبان از لحاظ دیپلماتیک معنای بزرگ بخشید و جایگاه طالبان را به سطح بین‌المللی ارتقا و رسمیت داد. پروسه صلح افغانستان، کشوری که با سهمیه بزرگ و تداخل کشورهایی چون: امریکا، بریتانیا، روسیه، آلمان، فرانسه، چین، هند، پاکستان، ترکیه و آسیای میانه همراه است چندین مراحل خود را پشت سر گذاشت و صلح هم‌چنان به حالت یک خواب و رویا باقی مانده که به این زودی‌ها نمی‌توان به صلح رسید.

حکومت وحدت ملی در همان اواخر تازه‌ترین طرح خود برای صلح را برای طالبان و پاکستان روی میز گذاشت. اما در نهایت این گروه اذعان کردند که با امریکایی‌ها وارد گفت‌وگو می‌شوند. استدلال‌شان هم این بود که در زمان جنگ‌های داخلی، طرف اصلی جنگ امریکایی‌ها بودند نه حکومت.

حالا یک‌بار دیگر پروسه صلح و مذاکره با طالبان شدت گرفته است و سرخط خبرها و زنده‌گی مردم شده است و تمام تلاش حکومت بر این است تا طالبان را برای پذیرفتن حقایق موجود در میان نسل جدید و تغییر جامعه و ذهنیت مردم قناعت دهد.

مردم نسبت به همه جناح‌های دیگر آسیب‌پذیر شده‌اند و کاروبار و زنده‌گی‌شان تحت‌الشعاع وضعیت موجود قرار گرفته است. اما مردم از خود می‌پرسند که اسم این موقعیت را نبرد برای بقا یا فنا بنامند؟ یا بهشتی که در همین چند قدمی‌شان است و قرار است به آن برسند؟

**پرسش‌های زیادی به ذهن خطور می‌کند:**

۱: آیا هزینه مراودات با طرف طالبان این خواهد بود که تحریک طالبان به دست‌آویز دین، دانایی را بدزدند؟
۲: آیا افغانستان بازهم به عنوان کشتارگاه سیاسی و میدان رقابت باقی می‌ماند؟
۳: آیا مذاکرات دوحه نتیجه‌اش منجر به صلحی برای پایان صلح‌ها خواهد شد؟
۴: و آیا صلح یک نگاه ابزاری موقتی برای تدوین یک استراتژی جنگی دیگر است؟

در نزدیک به دو دهه گروه‌های تروریستی چون: القاعده، داعش، طالبان، جیش محمد، نبوت محمد، جیش‌المسلمین، لشکر طیبه، گروه حقانی، لشکر جهنگوی، ترکستان شرقی، جنگ‌جویان چیچن و اوزبیک از کشورهای روسیه و اوزبیکستان هرکدام به نوبت خودشان گام‌های نظامی را در هر گوشه و کنار کشور انجام داده‌اند. از حمله بر پاسگاه‌های امنیتی تا سقوط بخش‌های استراتژیک کشور و ولایات مرزی؛ اما این‌بار ظاهرا دیده می‌شود که طالبان در پای میز مذاکره با شرط و شروطهایی وارد شده‌اند؛ این‌که برنامه و اهداف طالبان دقیقاً روی چه چیزهایی است در مذاکره اصلی رو در رو میان هیات‌های جمهوریت و امارت معلوم خواهد شد. اما تمام تحلیل‌ها، احتمالات و پیش‌بینی‌های هر دو طرف مذاکره خالی از این هشت

گزینه نیست:

۱: اصل و مبنای شمرده‌شدن توافق امریکا–طالبان در این مذاکرات،
۲: تعیین و تکلیف همه مسایل بر بنیاد فقه حنفی،
۳: از بین بردن جمهوریت توسط طالبان و ایجاد مجدد امارت،
۴: مدغم‌شدن طالبان در جمهوریت و باقی‌ماندن‌شان به عنوان همکار جمهوریت،
۵: منتظر ماندن هر دو طرف تا انتخابات امریکا برای تأیید گزینه‌های نهایی،
۶: تعدیل قانون اساسی،
۷: آمدن اداره موقت و بحث روی نظام آینده افغانستان،
۸: مراجعه به آرای مردم (که احتمالش بسیار کم است)

**جریان‌های فکری از لحاظ ایدیولوژیک وضعیت صلح پساطالبان را چگونه پیش‌بینی و ارزیابی می‌کنند؟**

۱: یک طیف از تحلیل‌گران در قالب نظریه ریالیسم یا واقع‌گرایی به این نظر اند که مذاکرات دوحه پیش‌نویس یک جنگ دیگر در افغانستان است. استدلال این طیف این است که در حقیقت این مذاکره جنگ بر سر قدرت است و معادله این مذاکره در حقیقت حذف یک طرف جهت رسیدن به هدف مورد نظر است. یعنی جنگ به عنوان یک میحث مهم در افغانستان، برای سالیان متمادی ادامه خواهد یافت، اما با رویکردها و ابزارهای نوین و با شیوه‌های نوین. باور این طیف بر این است که تصفیه‌سازی و انتقام‌گیری با همان عقده‌های تاریخی و قومی روی دست گرفته خواهد شد. زمینه حضور امن گروه داعش در شمال افغانستان تقویت خواهد شد و فاطمیون به عنوان یک حریف قابل ملاحظه در کنار داعش در ادبیات جنگ معاصر افغانستان مطرح خواهند شد. قابل ذکر است که پاکستان، عربستان سعودی و ایران هنوز در این زمینه دیدگاه‌های گوناگون و برنامه‌های ناتکمیل خودشان را دارند. زلمی خلیل‌زاد فرستاده ویژه امریکا برای صلح افغانستان هم‌چنان پیروزی مذاکرات دوحه را قطعی نمی‌داند و از همین حالا امریکایی‌ها نیز روی هیچ موردی به صورت قطعی متکی نمی‌شوند.

۲: طیف دیگری از تحلیل‌گران محافظه‌کارانه نسبت به آغاز مذاکرات میان افغانان خوش‌بین هستند، اما به گونه کاملاً مشکوک و نامطمین. از دید این تحلیل‌گران، اشراف و نفوذ پاکستان بر تحریک طالبان در جریان مذاکرات و ظهور داعش پسا طالبان هنوز هم نگرانی‌های جدی‌ای هستند. چون از زمان کشته شدن ضیالحق رییس جمهور وقت پاکستان و شکل‌گیری گروه‌های بنیادگرا در پاکستان غرض جنگ در افغانستان، عمق استراتژیک این کشور در دو بعد «حداقلی و حداکثری» قابل پیش‌بینی نیست و هیچ ضمانتی برای توقف مداخله و تعهد پاکستان برای ثبات و آرامش منطقه وجود ندارد.

پالیسی و اهدافی را که دگروال محمد یوسف و اخترعبدالرحمن در پاکستان بنیان گذاشتند تا این‌جای کار هم هنوز سربازان و پیروان خودش را دارد. مکاتب دینی افراطی در منطقه برای ترسیم نقشه استراتژیک به نفع خودشان تمام تلاش‌شان را به خرج می‌دهند.

تمام اقداماتی که این جریانات فکری از پاکستان به راه انداختند، حیثیت کیکی را دارد که تصمیم دارند سهم بزرگی از این کیک خوشمزه را نصیب شوند.

**آیا مذاکرات دوحه فرصت تاریخی برای افغانستان محسوب می‌شود؟**

گفت‌وگوهای میان افغانان یک اقدام خوبی در راستای باز کردن دریچه گفت‌وگو برای شناخت بهتری از طرف‌های جنگ می‌تواند باشد، اما با معیارها، استانداردها و قوانین اصلی مذاکره هم‌خوانی ندارد. این مذاکرات می‌تواند یک فرصتی برای افغانستان باشد تا بتواند با ارائه راهکارهای منطقی، مورد قبول دو طرف و سازنده، طرف دیگر را جلب کند و زمینه یک فضای دیالکتیک و برابری بدون ترس و وهم فراهم شود.

اما با گذشت هفته‌ها از گشایش مذاکرات تا حالا روی هیچ عنوانی از آجندا و طرز‌العمل مذاکره رأی‌زنی نهایی نشده است. کارشناسان افغانی مذاکرات دوحه که این روند را از دور دنبال می‌کنند طالبان را به وقت‌کشی متهم می‌کنند، هم‌چنان گفته شده که طالبان بر دو مورد بصورت عمده پافشاری دارند:

۱: فقه حنفی را معیار تمام مسایل قرار دادن،
۲: نام نهادن جهاد به جنگ افغانستان،

**ادامه در صفحه ۷**



# مذاکرات دوحه؛ دو راه، یک هدف



## آیا این گفت‌وگوهای فقط به میان‌افغانان بودن حل خواهد شد؟

نکته فوق‌العاده مهم این است که ایالات متحده آمریکا از زمان توافق بن تا حالا به تمام قضایای افغانستان از عینک پاکستانی‌ها نگاه می‌کرده و نگاه می‌کند و به تحلیل و حل مسایل افغانستان از نگاه مسایل پاکستان می‌پردازد. این طرز در ذات خود مشکل و معضل بزرگی است. چون در تمام کنفرانس‌ها نتوانسته‌اند به گونه کامل قناعت تمام کمک‌کننده‌گان را فراهم کنند، مبنی بر این که دست پاکستان در امور افغانستان کوتاه شود. چیزی که به صورت قطع می‌توان آن را گفت این است که در گفت‌وگوهای میان‌افغانان منافع، کشورهای منطقه و طرف‌های دخیل، حل‌ناشده باقی می‌ماند. زیرا نبرد در افغانستان با نبردهای خاورمیانه و تنش‌های هند و پاکستان، عربستان سعودی و ایران، و دیگر تنش‌ها ارتباط مستقیم دارد. چون تضاد منافع چندین کشورهای منطقه و جهان در این حصص جغرافیایی، عمده‌ترین عاملی است که موانع را بر سر راه صلح ایجاد کرده است.

در حقیقت جنگ و مذاکرات افغانستان با هیچ جنگ و مدل مذاکره‌ای نظیر جنگ ویتنام، کلمبیا، رواندا و فیلیپین مشابهت ندارد. این جنگ در ذات خود بزرگ‌ترین معمای تاریخی برای قدرت‌های معظم هر دوران بوده است. این جنگ بر اساس مدارک و شواهد امنیتی و سیاسی در سطح کلان، تا ۵۰ سال دیگر قرار داد و در پشت صحنه با اتفاق آرای کشورهای دخیل در معضل عقد شده است. طالبان آخرین روح جنگ نیستند و آخرین گروه برای جنگ نیز نخواهند بود. بعد از ورود طالبان یک موازنه قوی میان قدرت‌های بزرگ و متحدین هر دو طرف در افغانستان برقرار خواهد شد، یعنی به طوری که گذشتن از خطوط سرخ یکی از متحدین حمله بر تمامی آنان تلقی شده و همه باید به مقابله برخیزند و افغانستان پساتالبان میدان این موازنه و مقابله است.

## نفرت‌افگنی برای سودآوری

چین و پاکستان خوش‌بین‌اند، اما روسیه و ایران بدبین روسیه و ایران هنوز هم بر این مذاکرات باورمند نیستند و رهبران این دو کشور به گونه‌ای در سخنرانی‌شان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیام هشدارآمیزشان را به آمریکا رساندند.

پاکستان اما به گونه‌ای به دنبال سود بزرگ در مذاکرات دوحه است، سفرهای زلمی خلیل‌زاد به پاکستان و هند بعد از شروع مذاکرات دوحه نشان داد که هنوز هم گره‌ها به عنوان مطالبات خاص در میان دو قدرت اتمی جنوب آسیا باز نشده است.

شدت و اندازه این مطالبات به حدی است که بر شئون دولت‌های هر دو کشور بر می‌خورد.

مطالبات و سودهایی که پاکستان از طریق این مذاکرات به دنبال آن است، از این قرار است:

- ۱: حل ساختن قطعی مسأله دیورند به نحوی که دیگر در دسر برای پاکستان نباشد.
- ۲: خواست تغییر نظام به شکل اسلامی توسط زبان طالبان (البته همان نوع قرائتی که مدارس پاکستان از نظام اسلامی دارند).
- ۳: قطع روابط یا هم در نهایت رابطه محدود با هند زیر نظر استخبارات نظامی آی‌اس‌آی
- ۴: جلب مبلغ‌های هنگفت از سوی غرب به ویژه آمریکا و حوزه خلیج به ویژه عربستان سعودی
- ۵: کسب امتیاز و حیثیت دیپلماتیک از سوی جامعه‌ی

## جبهه‌ی جمهوریت و نقش مردم

محمدحسن حکیمی

باشد. صلح باید به اساس خواست، حقوق و نظر مردم باشد تا ما به یک آرامی پایدار، همه‌شمول و عادلانه که از حمایت مردم برخوردار باشد، برسیم. دولت نیز در زمانی که به حمایت عام مردم نیاز است و ضرورت به یک‌پارچه بودن جبهه‌ی جمهوریت است، اجازه ندهد عده‌ای در داخل نظام، با بعضی عمل‌کردهایش، سبب نفاق بین مردم و فاصله از دولت شود. خاموشی و بی‌تفاوتی شدیدی که فعلا مردم دارد، خطرناک است و اجازه می‌دهد هر چه دیگران تصمیم بگیرند، ما راهی جز پذیرش نداشته باشیم. مهم است که شهروندان، این پروسه را آگاهانه و مسوولانه دنبال کنند. از سرتاسر افغانستان صدا بلند کنند و فشار بیاورند. شهروندانی که در بیرون از کشور هستند و به رسانه‌های بین‌المللی، نهادهای بین‌المللی و کشورهای بی‌طرفی که در آن زنده‌گی می‌کنند، دست‌رسی دارند، باید مسوولانه‌تر تلاش کنند.

مردم باید خودشان را در جبهه‌ی جمهوریت، جبهه‌ی آزادی و جبهه‌ی مردمسالاری تنظیم کنند. مردم در ۴۰ سال گذشته برای آزادی، عزت و سربلندی‌شان قربانی داده‌اند و جنگ، تلفات و خسارات بسیاری را تحمل کرده‌اند. حالا هم فرزندان همین مردم، از جمهوریت، از مردم و از عزت مردم دفاع می‌کنند، می‌جنگند و شهید می‌شوند. فرزندان رهبران سیاسی و رهبران دولتی در سنگر قرار ندارند. نظام از مردم است و مردم باید از نظامی که در بدل خون فرزندان‌شان تشکیل یافته است، پاسداری و حراست کنند. طالب هم باید بداند که مردم با تمام ناراضی‌ها و پراکنده‌گی‌ها و بی‌تفاوتی‌ها، امارت و وحشت و دیکتاتوری و زورگویی طالب و هیچ گروه دیگری را قبول نمی‌کنند. مردم حالا از حقوق خودشان آگاهی یافته، درس خوانده و تحصیل کرده شده است و دوباره به دهه‌ی ۹۰ بر نمی‌گردد. هیچ کس نمی‌تواند بعد از این نقش مردم را نادیده بگیرد. مردم نیز باید در این شرایط حساس مسوولیت‌شان را به خوبی ایفا کنند. کشور از ما است و ما صاحب این مملکت هستیم، پس باید در مورد مملکت‌مان مسوولانه قدم برداریم و از آزادی و امنیت و عزت‌مان، مانند گذشته، به خوبی حراست و پاسداری نماییم.

علامه اقبال دقیق گفته بود که:

خدا آن ملتی را سروری داد

که تقدیرش به دست خویش بنوشت

امروز، روز نوشتن تقدیر است. بیگانه‌گان نمی‌توانند برای ما تقدیر و سرنوشت عزت‌مندی بنویسند. همه چیز به توانایی و انتخاب و نقش بازی کردن مردم ما تعلق دارد.

مردم افغانستان در شرایط کنونی در حالی بی‌تفاوتی آمیخته با نگرانی قرار گرفته‌اند. لازم است که ما از این بی‌تفاوتی و ترس و دلهره در مورد پروسه‌ی صلح بیرون شویم و نقش تاریخی‌مان را مسوولانه‌تر ایفا کنیم. بی‌تفاوتی و خاموشی که فعلا به دلیل ترس یا به دلیل نارضی بودن و خسته‌بودن از وضعیت موجود، در جامعه حکم‌فرما است، خطرناک و قابل تشویش است.

بسیاری از رهبران و مقامات مسافر، مثل آب روان هستند که با احساس شرایط سخت، می‌روند و به خانه‌ی اصلی خودشان قرار می‌گیرند، ما شهروندان هستیم که مانند ریگ کف دریا، تحت هر شرایطی می‌مانیم. سیل باشد یا طوفان یا خشک‌سالی، ما در کف دریا سنگرمان مستحکم و دائمی است. ما در حال حاضر، در شرایط بسیار حساسی قرار داریم. مسوولیت شهروندی، حفظ دست‌آوردها و سرنوشت آینده‌ی مردم ما، مهم‌تر از رضی‌بودن یا نارضی‌بودن از عمل‌کرد چند فرد در درون حکومت است. طالبان هم در زمان حاکمیت‌شان و هم طی چند سال گذشته، در مناطق تحت قلمروشان، فقط از طریق ایجاد وحشت و ترس بر مردم حکومت کرده‌اند و صدای مردم را خاموش ساخته‌اند. در حقیقت این خاموشی و بی‌تفاوتی ما اگر از ترس باشد، ما شهروندان افغانستان به این استراتژی طالب تسلیم شده‌ایم و در آینده دیگر حقوق و صدایی نخواهیم داشت.

امروزه بحث تعیین سرنوشت آینده، حفظ نظام مردمی، حفظ دست‌آوردها و تامین حقوق اساسی شهروندان مطرح است. حفظ وحدت و یک‌پارچه‌گی در این شرایط، بسیار مهم است. ما باید از بی‌تفاوتی، ترس و ناآگاهی، بیرون شویم. جامعه‌ی مدنی، رسانه‌ها، احزاب سیاسی، نهادهای حقوق بشری و نهادهای جوانان، باید مردم را آگاه بسازند و مسیر و برنامه بدهند. نهادهای جامعه‌ی مدنی، حقوق بشر، رسانه‌ها، گروه‌های آسیب‌پذیر، اقلیت‌های قومی، مذهبی، گروه‌های زنان و امثالهم باید یک اتحاد منسجم و قدرت‌مند را ایجاد کنند و یک گروه فشار قوی و مردمی را شکل بدهند تا از طریق گردهم‌آیی‌ها، کنفرانس‌ها، اعلامیه‌ها، نشر مقالات، جلسات آگاهی‌دهی، کمپین‌های اجتماعی و روش‌های دیگر وبا ایجاد رابطه و هم‌آهنگی با نهادهای بین‌المللی با فشار به دولت، طالبان و کشورهای دخیل خصوصاً ایالات متحد آمریکا، اجازه ندهند که آن‌ها هر چه دل‌شان بخواهد با سرنوشت مردم انجام بدهند. صلح باید برای مردم افغانستان

جهانی که گویا پاکستان در قناعت دادن و کشاندن طالبان به مذاکرات صلح افغانستان نقش محوری داشته است.

## اگر مذاکرات بر مصلحت و فشار پیش برود چه آینده در انتظار افغانستان خواهد بود؟

موارد نهایت مهمی از قبیل: آتش‌بس، تعدیل قانون اساسی، تغییر نظام، حقوق زنان، و آزادی بیان قرار است میان تیم جمهوریت و امارت به بحث گرفته شود، سرانجام این مذاکره هم‌مانند یک قمار بزرگ سیاسی است که اگر دقت شود به ازدواج سیاسی می‌انجامد در غیر این صورت به تله استراتژیک ختم می‌شود.

ایالات متحده آمریکا تا بهار ۲۰۲۱ تمام نیروهایش را از افغانستان بیرون می‌کند.

هر چند تا این‌جای کار از نتیجه مذاکره از سوی امریکاییان چنین استنباط شده که تا بهار سال آینده تمام نیروهای خود را به گونه کامل از افغانستان بیرون می‌کند. افغانستان قبلاً تجربه چنین ضرب‌الاجل را حین اوج اختلافات در امضای پیمان امنیتی با آمریکا در ۲۰۱۴ تجربه کرده بود. اما نه تنها که خروج نیروهای اتفاق نیفتاد، بلکه در بحران ۲۰۱۴ امریکایی‌ها عملاً از مداخلات کشورهای منطقه در افغانستان در هراس افتادند (مداخلاتی که در همان آغاز منجر به تشکیل اتحاد ثلثه علیه امریکایی‌ها از سوی روسیه چین و ایران شد و نگاه این کشورها نیز به طالبان معطوف گردید) بر اثر تشکیل همین اتحاد، امریکا به دنبال امضای پیمان امنیتی با افغانستان افتاد. در حالی که امریکا طبق پیمان امنیتی مکلف به دفاع از خاک افغانستان در مقابل حملات کشورهای منطقه شده بود، اما نبردهای سرحدی میان مخالفان مسلح و نیروهای امنیتی شدت می‌گرفت و ولایات نیز یکی پس دیگر سقوط می‌کرد، روندی که تا حالا جریان دارد.

## نتیجه‌گیری

چیزی که به گونه قطع می‌توان آن را بیان داشت این است که ایالات متحده آمریکا به هیچ عنوانی نمی‌تواند از افغانستان بیرون شود و بیرون نخواهد شد. اهمیت جغرافیایی افغانستان تنها مختص به ژئوپولیتیک بودن و ژئواستراتژیک بودنش نیست، افغانستان هزار و یک معمای ارزشمند دیگر دارد.

امریکایی‌ها تمام این هزار و یک راز ارزشمند را می‌دانند و به عمق معنا و مزیتش پی برده‌اند که مقامات افغان به یک معمایش واقف نیستند.

افغانستان همسایه‌های قدرت‌مند در به دیوار دارد که امریکا از شروع جنگ سرد آنان را حریف نیم‌قرن بعد خود می‌دانست و این را نیز پیش‌بینی کرده بود که پایان تمدن‌ها به این زودی‌ها ختم داستان جهان نیست. بهای ورود به افغانستان ۱۱ سپتامبر و کشته‌شدن سه هزار تن بود که امریکا حاضر شد آن را بپردازد، تا هژمونی امریکا هشدار باشد، برای آنانی که روحیه ضد امریکایی دارند و تریبه می‌کنند، ظهور قدرت‌های تازه‌نفس منطقه‌ای نیز برای امریکا بازی‌های تازه‌ای را به وجود خواهد آورد. از همین رو خروج امریکا از افغانستان به معنای پایان هژمونی امریکا در جهان خواهد بود.

پروسه صلح افغانستان، آورنده‌ی صلح به معنای واقعی‌اش نیست، با ختم این مذاکرات صلحی در کار نیست، راه و خط و نشان و نقش برای همه بازیگران جهت رسیدن به قدرت از قبل در اندیشکده‌های واشنگتن ترسیم شده است. چون افغانستان یگانه واحد دموکراتیک به سود جنگ است.



دکترهنی، ایوب‌گولو و مال‌الداری وزارت  
وزارت زراعت، آبیاری و مال‌داری

Islamic Republic of Afghanistan  
Ministry of Agriculture, Irrigation and Livestock

معینت مالی و اداری  
ریاست تهیه و تدارکات  
امریت عمومی اجناس و خدمات غیر مشورتی



## اطلاعیه تصمیم اعطای قرار داد

بدینوسیله به تاسی از ماده چهار و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده میشود که وزارت زراعت، آبیاری و مال‌داری در نظر دارد تا پروژه تدارک ۸۱ قلم قرطاسیه باب، رنگ های پرنتر و وکاپیر مورد ضرورت ریاست ها و شعبات وزارت برای سال مالی ۱۳۹۹ تحت داوطلبی باز داخلی با کد نمبر MAIL/PD/NCB/G/183/99 را به شرکت خدمات لوژستیک عمر سدیس دارای جواز نمبر (۴۲۹۹۹) بعد از تعدیل یک قلم جنس به قیمت مجموعی مبلغ (۳,۱۰۸,۵۷۳,۲) افغانی (سه میلیون و یک صد و هشت هزار و پنج صد و هفتاد و سه اعشاریه دو افغانی) اعطا نماید.

اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، میتوانند اعتراض خویش را از تاریخ نشراین اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توام با دلایل آن به ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مال‌داری واقع کارته سخی، جمال مینه، وفق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارایه نمایند.

این اطلاعیه به معنی عقد قرار داد نبوده والی تکمیل میعاد فوق الذکر وطی مراحل قانونی بعدی، قرار داد منعقد نخواهد شد.

دبیر بخش ویدیو:  
خبرنگاران:

محمدنصیر کاوشگر  
عبدالاحمد حسینی، حسیب بهش، محمدحسین نیک‌خواه، خلیل رسولی، هما همتا، الیاس طاهری، احمدشاه شاداب، حفیظ علی خیل، توفان عمری، شعب حکیمی، پرویز کامروز، زهرا عطایی  
علی نظری، س. نوین  
رضا مرادی  
Shaparsepehr@gmail.com ۰۷۸۸۷۸۷۹۹ - ۰۷۰۱۷۵۵۱۰  
صندوق پستی ۰۲۵-۰۳۸، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان  
نشانی دفتر کابل:  
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.



روزانیت دیروز آئینه امروز نوین فردا

صاحب امتیاز:  
مدیرمسوول:  
سر‌دبیر:  
دبیر گزارش‌ها:  
دبیر بخش خبر:  
دبیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com  
مجیب مهرداد mujib\_mehrdad@yahoo.com  
وحید پیمان s.wahid.payman@gmail.com  
خلیل اسیر  
علی شاه حقمیل

Publisher:  
Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com

Editor-in-Chief:  
Mujib Mehrdad  
mujib\_mehrdad@yahoo.com

Facebook.com/8am.af  
Youtube.com/HashteSubhdaily  
Twitter.com/@Hashtesubhdaily  
instagram.com/8am.af\_official  
www.8am.af



**برای تحقق رویاهای تان به پول نقد نیاز دارید !!!!!!!**

از قرصه معائنات عزیزی بانک با شرایط و ضوابط جذاب و سهل بهره مند شوید

- قرصه با پول لغاتی و دالر امریکایی
- قرصه کوتاه مدت برای 12 ماه
- استناد سازی سهل
- برای کارمند دولتی/ادارت ملی و بین المللی/اسازمان های غیر دولتی

برای معلومات بیشتر، لطفاً به نزدیکترین نمایندگی یا هم دفتر مرکزی به بخش فروض مراجعه کنید و یا هم با شماره 1515 تماس بگیرید

www.azizibank.af 1515

## درگیری ارمنستان و آذربایجان بر سر قره‌باغ؛ بی‌اعتنایی به آتش بس و ادامه‌ی نبردها

مقام‌های محلی ارمنی در منطقه‌ی قره‌باغ می‌گویند که در تازه‌ترین مورد، ۱۷ تن از نیروهای ارمنستان در جریان درگیری با ارتش جمهوری آذربایجان کشته شده‌اند. به نقل از رادیو فردا، خبرگزاری روتیز روز سه‌شنبه، ۲۲ میزبان، این خبر را منتشر کرده و به نقل از منابع رسمی ارمنی که به هویت آن‌ها اشاره‌ای نشده، شمار قربانیان نظامی از آغاز این درگیری‌ها ۵۴۲ نفر گزارش شده است. خبرگزاری فرانسه نیز گزارش داده که با آغاز درگیری‌های تازه بین نیروهای ارمنستان و جمهوری آذربایجان بر سر منطقه‌ی ناگورنو قره‌باغ از شامگاه یک‌شنبه، طرفین یک‌دیگر را به نقض آتش‌بس متهم می‌کنند. وزیر دفاع آذربایجان روز دوشنبه ارمنستان را به عدم رعایت توافق آتش‌بس انسان‌دوستانه متهم کرد و گفت که آن کشور همیشه بر مواضع آذربایجانی حمله می‌کند. از سوی دیگر شوشان استپانیان، سخنگوی وزارت دفاع ارمنستان، می‌گوید که جمهوری آذربایجان بمباران جبهه‌ی جنوب را به شدت از سر گرفته است.

مقام‌های ارمنستان پیش از این اعلام کرده بودند که در نبردهای روز دوشنبه با نیروهای آذربایجانی، ۴۵ تن از نیروهای ارمنستانی کشته شده‌اند. به دنبال شدت یافتن درگیری‌ها، وزیر خارجه ارمنستان برای رای‌زنی با مقام‌های روسیه به مسکو رفته است. در عین حال ارمنستان ادعا کرده است که «دشمن متحمل خسارات زیادی از نظر نیروی انسانی و تجهیزات نظامی شده»، اما جزئیات بیشتری در این زمینه ارائه نکرده است. درگیری‌های تازه میان دو کشور در شرایطی آغاز شده که روز شنبه، پس از ۱۱ ساعت مذاکره میان وزرای خارجه دو کشور در مسکو، طرفین به برقراری آتش‌بس توافق کرده بودند. درگیری‌های اخیر بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان، خونین‌ترین درگیری میان دو کشور از سال ۱۹۹۰ است. در آن درگیری که چهار سال به طول انجامید، ۳۰ هزار تن از نیروهای دو کشور کشته شدند. در درگیری اخیر میان دو کشور، علاوه بر صدها نظامی، بیش از ۶۰ غیرنظامی نیز کشته شده‌اند.



## تاریخچه انتخابات در ایالت لوئیزیانا آمریکا

کیوان شکوری



هیچ جمهوری‌خواهی به مقام فرمان‌داری انتخاب نشده است. با این حال در ۲۰ سال اخیر گرایش مردم این ایالت در انتخابات فرمان‌داری به جمهوری‌خواهان بیش‌تر شده است و رقابت بین دو حزب نزدیک‌تر شده است. از پنج فرمان‌دار اخیر این ایالت سه تن دموکرات و دو تن جمهوری‌خواه بودند و John Bel Edwards فرمان‌دار حال حاضر این ایالت از حزب دموکرات می‌باشد. نتیجه: با توجه به این‌که دموکرات‌ها در طول تاریخ انتخابات ریاست جمهوری با ۳۰ دوره برتر هستند، اما جمهوری‌خواهان در سال‌های اخیر بهتر عمل کرده و برنده پنج دوره اخیر این انتخابات می‌باشند، هم‌چنان دموکرات‌ها در طول تاریخ انتخابات مجلس سنا برتر هستند، اما جمهوری‌خواهان در سال‌های اخیر بهتر عمل کرده و هر دو سناتور حال حاضر ایالت جمهوری‌خواه می‌باشند و دموکرات‌ها در طول تاریخ انتخابات مجلس نماینده‌گان برتر هستند، اما مجدداً جمهوری‌خواهان در سال‌های اخیر بهتر عمل کرده و از شش نماینده این ایالت در مجلس نماینده‌گان پنج تن جمهوری‌خواه هستند و در طول تاریخ انتخابات فرمان‌داری دموکرات‌ها برتر بوده و فرمان‌دار حال حاضر این ایالت نیز دموکرات می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که ایالت لوئیزیانا در طول تاریخ یک ایالت کاملاً دموکرات بوده است، اما در ۲۰ سال اخیر گرایش به جمهوری‌خواهان بیش‌تر شده است و در حال حاضر به طور کلی کفه ترازو به سمت جمهوری‌خواهان سنگینی می‌کند.

حزب جمهوری‌خواهان دموکراتیک و جمهوری‌خواهان آدامز کلاسی، دو تن دموکرات و جکسونی‌ها، یک تن با عضویت در احزاب دموکرات و ویگ و یک تن که در منابع مورد استفاده ما حزبی ثبت نشده است. همان‌گونه که مشاهده می‌کنید، دموکرات‌ها با ۲۹ سناتور در مقابل جمهوری‌خواهان با هفت سناتور در طول تاریخ انتخابات مجلس سنا برتر هستند، به طوری که تا قبل از سال ۲۰۰۵ فقط چهار سناتور جمهوری‌خواه از لوئیزیانا به این مجلس راه پیدا کرده بودند، اما از سال ۲۰۰۵ گرایش مردم در این انتخابات به جمهوری‌خواهان بیش‌تر شده است و Bill Cassidy و John Kennedy هر دو از حزب جمهوری‌خواه دو سناتور حال حاضر این ایالت در مجلس سنای آمریکا می‌باشند. Russell B. Long (۱۹۴۸-۱۹۸۷) با ۳۹ سال حضور در مجلس سنا و Allen J. Ellender (۱۹۳۷-۱۹۷۲) با ۳۵ سال حضور در سنا و هر دو از حزب دموکرات، با سابقه‌ترین سناتورهای تاریخ لوئیزیانا هستند. از سال ۱۸۱۲ تاکنون ۱۶۹ تن به عنوان نماینده ایالت لوئیزیانا در مجلس نماینده‌گان آمریکا انتخاب شده‌اند که از این تعداد، ۱۰۷ تن دموکرات، ۳۴ تن جمهوری‌خواه، هشت تن ویگ (Whig Party)، سه تن جمهوری‌خواهان دموکراتیک، دو تن حزب امریکاییان یا Know Nothing، دو تن جمهوری‌خواهان لیبرال، دو تن جکسونی‌ها، یک تن حزب اتحادیه، یک تن جمهوری‌خواهان آدامز و مردان آدامز و یک تن جمهوری‌خواهان آدامز و مردان آدامز و ضد جکسونی‌ها که بالاتر در مورد تاریخچه این حزب توضیح داده شد و هفت تن نماینده‌گانی که در دوران کاری خود تغییر حزب دادند که دو تن با عضویت در احزاب ضد جکسونی‌ها و ویگ، دو تن دموکرات و جمهوری‌خواه، یک تن دموکرات و ترقی‌خواه، یک تن دموکرات و جکسونی‌ها، یک تن جمهوری‌خواه و اتحادیه و یک تن نیز اسم حزبی مشخص نیست. همان‌گونه که آمار نشان می‌دهد، دموکرات‌ها با اختلاف زیاد نسبت به جمهوری‌خواهان در طول تاریخ این انتخابات دست برتر دارند، اما در ۲۰ سال اخیر گرایش مردم به جمهوری‌خواهان بیش‌تر شده است، به طوری که از شش نماینده حال حاضر این ایالت پنج تن جمهوری‌خواه و یک تن دموکرات می‌باشند. از سال ۱۸۱۲ تاکنون ۵۶ تن به مقام فرمان‌داری ایالت لوئیزیانا رسیده‌اند که ۳۳ تن دموکرات، ۱۰ تن جمهوری‌خواه، هشت تن جمهوری‌خواهان جفرسونی، دو تن حزب ویگ، یک تن فرمان‌دار نظامی، یک تن متودیست (Methodist) و یک تن با عضویت در دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه، یعنی در دوران کاری خود تغییر حزب داده است. همان‌گونه که می‌بینیم، در طول تاریخ این انتخابات دموکرات‌ها برتر بوده و حتا در فاصله بین ۱۸۷۷ الی ۱۹۸۰ یعنی بیش از یک قرن

ایالت لوئیزیانا به مرکزیت باتون روژ در جنوب آمریکا قرار دارد که جزوی از قلمرو لوئیزیانا محسوب می‌شد. این ایالت در معامله‌ی مشهور به خرید لوئیزیانا در سال ۱۸۰۳ از دولت فرانسه خریداری و نهایتاً به تاریخ ۳۰ اپریل ۱۸۱۲ به عنوان هجدهمین ایالت به ایالات متحده آمریکا پیوست. لوئیزیانا در جنگ داخلی آمریکا جزو کنفدراسیون کشورهای آمریکا یا همان ایالت‌های شورشی بود.

طبق آخرین سرشماری آماری جمعیت این ایالت ۴,۷۹۴,۶۴۸ تن است که ترکیب جمعیتی آن از ۵۸.۴ درصد سفیدپوست، ۳۲.۸ درصد سیاه‌پوست، ۳.۳ درصد اسپانیولی‌زبان یا لاتین‌تبار، ۱.۸ درصد آسیای شرقی، ۰.۸ درصد سرخ‌پوست و بومیان آلاسکا، ۰.۱ درصد بومیان هاوایی و دیگر جزایر اقیانوس آرام و ۱.۸ درصد دیگر نژادها تشکیل شده است.

از سال ۱۸۱۲ که لوئیزیانا به عنوان یک ایالت به ایالات متحده آمریکا پیوست تا به امروز ۵۲ دوره انتخابات در ایالات متحده آمریکا برگزار شده که لوئیزیانا به غیر از دو دوره در سال‌های ۱۸۶۴ که به علت جنگ داخلی از کشور جدا شده بود و سال ۱۸۷۲ که به علت بی‌نظمی نتیجه انتخابات رد شد، در بقیه ۵۰ دوره انتخابات حضور فعال داشته است که از این تعداد ۳۰ دوره دموکرات‌ها، ۱۲ دوره جمهوری‌خواهان، چهار دوره جمهوری‌خواهان دموکراتیک، دو دوره حزب ویگ (Whig Party)، یک دوره حزب مستقل امریکایی و یک دوره دموکرات‌های طرفدار حقوق ایالت‌ها (States' Rights Democratic) برنده آرای اکثرال شدند.

تا قبل از انتخابات سال ۱۹۴۸ از مجموع ۳۲ دوره انتخابات برگزار شده، جمهوری‌خواهان فقط یک دوره و در عوض دموکرات‌ها ۲۵ دوره و مابقی را نیز احزاب دیگر برنده شدند. در این دوران گرایش مردم به دموکرات‌ها به حدی بود که بین سال‌های ۱۸۸۰-۱۹۴۴ میلادی همگی ۱۷ دوره انتخابات برگزار شده در این بازه‌ی زمانی ۶۴ ساله را دموکرات‌ها برنده شدند. اما از سال ۱۹۴۸ تاکنون که سپتامبر ۲۰۲۰ است، ۱۸ دوره این انتخابات برگزار شده که دموکرات‌ها پنج دوره و در عوض جمهوری‌خواهان ۱۱ دوره و دو دوره نیز حزب مستقل امریکایی و حقوق ایالات برنده آرای اکثرال شدند. دموکرات‌ها با ۳۰ دوره، دست برتر در طول تاریخ انتخابات ریاست جمهوری برگزار شده در حوزه انتخابیه ایالت لوئیزیانا را دارند، اما جمهوری‌خواهان برنده هر پنج دوره اخیر این انتخابات می‌باشند که نشان از جمهوری‌خواه بودن حال حاضر این ایالت در انتخابات ریاست جمهوری است.

در انتخابات مقدماتی ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ در این ایالت از حزب دموکرات هیلاری کلینتون با ۷۱.۱ درصد آرا موفق به شکست برنی سندرز با ۲۳.۲ درصد آرا شد. از حزب جمهوری‌خواه دونالد ترامپ با ۴۱.۴ درصد آرا موفق به شکست تد کروز با ۳۷.۸ درصد آرا شد. در انتخابات نهایی ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ در ایالت لوئیزیانا، دونالد ترامپ با ۵۸.۱ درصد آرا موفق به شکست هیلاری کلینتون با ۳۸.۴ درصد آرا شد و هشت رای اکثرال این ایالت را به دست آورد.

از سال ۱۸۱۲ تاکنون ۵۵ تن از ایالت لوئیزیانا راهی مجلس سنای آمریکا شدند که ۲۹ تن دموکرات، هفت تن جمهوری‌خواه، پنج تن جمهوری‌خواهان دموکراتیک، سه تن حزب ویگ (Whig Party)، دو تن ضد جکسونی‌ها، یک تن جکسونی‌ها و یک تن جمهوری‌خواهان آدامز کلاسی و مردان آدامز و ضد جکسونی‌ها که هر سه این‌ها نیز اسمی همین حزب جمهوری‌خواه ملی در دوره‌های مختلف می‌باشد که ما برای آشنایی خواننده‌گان گرامی با روند تاریخچه تشکیل و تکامل احزاب و امانت‌داری در تاریخ همین‌گونه تفکیک شده می‌نویسیم. پنج تن نیز سناتورهایی که در دوران کاری خود تغییر حزب دادند که دو تن با عضویت در

## فهرست باثبات‌ترین شرکت‌های جهان اعلام شد

انسانی، محیط کار و مسایل زیست‌محیطی مورد بررسی کارشناسان قرار گرفته‌اند، به ترتیب شرکت‌های سونی، فیلیپس و سیسکو بالاترین امتیازها را به دست آورده‌اند. وال‌استریت ژورنال تاکید کرده است که بهبود عمل کرد شرکت سونی بیش از هر عاملی مرهون رهبری کینچیرو یوشیدا بوده که از سال ۲۰۱۸ هدایت این شرکت جاپانی را برعهده گرفته و رسالت اصلی خود را بازگرداندن ثبات عمل کرد سونی در بلندمدت اعلام کرده بود.

در میان فهرست ۱۰۰ شرکتی که باثبات‌ترین عمل کرد را داشته‌اند، ۲۳ درصد شرکت‌ها امریکایی، ۱۶ درصد شرکت‌ها جاپانی و ۹ درصد شرکت‌ها فرانسه‌ای هستند. در سنجش ثبات عمل کرد شرکت‌های مورد بررسی، سطح شفافیت معیاری مهم برای ارزیابی میزان کارکرد سیاست‌ها و ابتکارها و سنجش سطح کارایی آن‌ها بوده است. این معیار هم‌چنین در شناسایی عمل کرد مالی بلندمدت شرکت‌ها و تأثیر فعالیت آن‌ها بر محیط زیست و زنده‌گی مردم بسیار حایز اهمیت بوده است.

رتبه‌بندی جدید نشریه وال‌استریت ژورنال حاکی از صعود سونی به صدر فهرست باثبات‌ترین شرکت‌های جهان و وجود ۱۸ شرکت سخت‌افزاری در میان ۱۰۰ شرکت برتر سال ۲۰۲۰ است. به نقل از گزارش یورو نیوز، در این ارزیابی که پنج هزار و پنج‌صد شرکت جهان بر اساس معیارهای سنجش ثبات عمل کرد در زمینه‌هایی هم‌چون مدل کسب‌وکار، روند نوآوری، جایگاه اجتماعی شرکت و محصولات آن، منابع

